

سازمان پیکر در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

پیکار

۷۰

سال دوم - دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۵۹ بهار ۲۰ ریال

با زدهم شهریور ما سال گذشته،
چکمه پوشان مسلح و وابسته به رژیم ددمنشانه
بهروستی "قارتا" حمله کردند و نزدیک به ۷۰
نفر از پیرمرد ۷۰ ساله تا کودک ۴ ساله را بخون
کشیدند این جلادان، چمران مزدور اسلحه داده و ذهن
آنانرا موج تبلیغات رژیم جمهوری اسلامی آماده کرده بود...
اینک یکسال پس از آن جنایت هولناک، خلق قهرمان
کردیکسرها از "وعده و وعیدها" دل کند و مصمم است تا با
مقاومت مسلحانه و بحق خویش از موجودیت و حقوق خود دفاع
کند. مرگ بجرلادان خلق کرد، درود بر شهدای بخون خفته قارتا

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

- تب مذکونیستی و دما هدی و حملات هیستریک اخیر دستگا مهی و وابسته به رژیم جمهوری اسلامی علیه کمونیستها و ما هدی خلق، ما هیست رزیم را بیش از پیش بر توده ها عیان ساخت .
- رهبری فعلی ما هدی هرگز منع خودتداست که تمام حقیقت گذشته ما هدی را به توده ها بش، بعدا عفا و کاهای جوانش با زگوید، چرا؟!

صفحه ۷



یکسال از قتل عام در "قارتا" گذشت! ...

فتوای حاکم شرع:

"خون انقلابیون حلال است!!"

صفحه ۴

نگاهی به مناظره تلویزیونی مسئولین وزارت کار با نمایندگان گروهی از کارگران درباره لغو سود ویژه

وزیر کار: "بعضی از آقایان می -
گویند لغو سود ویژه، هیچ فوایدی نداشت ...
ما حتی مجبور شدیم به علت فشاری که به
ما می آمد چند بار را اطلاع بدهیم ... که
از آنجا که هر کوبه بیمان خودداری کند ...
باز سیدن خرد ادب از این فشار بیشتر میشد ...
ما میبرسیم، با توجه به اینکه کار -
گران با لغو سود ویژه مخالف هستند، چه
کسانی جز ما به داران و کارفرمایان
به وزارت کار فشار می آورند؟
وزیر کار در خلال سخنانی و نمود
میکرد که اگر به کارگران سود ویژه
برداخت شود تورم بیشتر میشود!

توجه کنید!

فتوایی از
آیت الله خمینی
در تقدیس مالکیت

زحمتکاران توجه کنند!
کسانی که خانه و زمین ندارند توجه کنند!
کسانی که انتظار دارند در جمهوری
اسلامی جایی برای زمینخواران و مفتخوار
- او سرمایه داران خواهد بود توجه
کنند!
کسانی که فکر میکنند جمهوری اسلامی
قدمی است بجلو، به عقب توجه کنند!

صفحه ۶

باند بختیار،
اشرف و اوپسی
همچنان توطئه
میکنند

صفحه ۱۶

جنبش کارگری
و بحران
رویزونیسم در
لهستان

صفحه ۱۴

در صفحات دیگر این شماره:

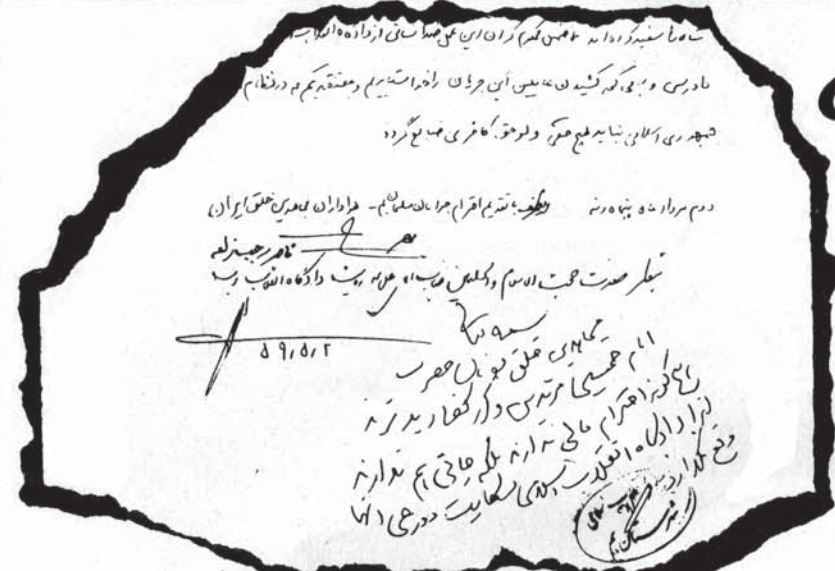
- معین فر: ساواکی مکتبی!! صفحه ۱۶
- پیرامون فاجعه گچساران و تحریک نیروهای انقلابی صفحه ۱۵
- موضوع گیری انقلابی در برابر هیئت حاکمه و سخنی مکرر با مجاهدین خلق (۲) صفحه ۱۰
- سالگرد شهادت رفقا: حسن آلابوش و رفعت افراز صفحه ۱۳
- رزمندگان و مسئله رویزونیسم و سوسال امپریالیسم شوروی (۳) صفحه ۸

ما میبرسیم: چطور وقتیکه و امهای
چند میلیون تومانی به سرمایه داران
میبردا زد "بیت المال" و "بالا رفتن"
تورم با دنان میروند، اما درست موقعی
که فرا راست سود ویژه را که قسمتی از
دستور دنا چیز کارگران است برودا زد
با دنان می آید که تورم بالا می رود؟
صفحه ۴

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

فتوای حاکم شرع: «خون انقلابیون حلال است»!!

در تاریخ ۲۴ مرداد اعلامیه‌ای از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران، خطاب به دادستان کل کشور انتشار یافته است که حاوی یک سند افشاگرانه میباشد این سند (که عیناً در همین صفحه آمده است) نشان میدهد که انجمن جوانان مسلمان شهرستان بزم (هوادر مجاهدین) به "دادگاه انقلاب" این شهرستان شکایت برده - اندوخواهان مجازات عادلانه حمله به کتا بفرستی ابودر شده اند. لکن در ذیل نامه، رئیس دادگاه نوشته است که: "مجاهدین خلق بفرمان حضرت امام خمینی مرتدین و زکات را بدسترنده هیچ گونه احترام ما لسی ندارند بلکه خانی همدارند. لذا دادگاه انقلاب اسلامی به شکایت دروغی آنها واقعی نگذارد" این حکم که نتیجه طبیعی رهنمودهای دایمانه "امام مت" به حکام شرع میباشد، قبل از این و بسیار پیش از نطق "تاریخی آیت الله خمینی در باره مجاهدین، یعنی زمانیکه آیت الله رهنمودها پیش از در جلسات خصوصی به حکام شرع عرضه میکرد، بود و در اوقات و اکتفا فی ایران توسط "پیروان خط امام" و چنان قدران "حزب الله" (یا حزب جمهوری اسلامی) بمورد اجرا گذاشته میشود. مدعا شهید و مجروح از میان اعضا و طرفداران مجاهدین خلق (کمونیست ها که جای خود دارند) حاصل فرامی بین "ولی امر" زمان و بسیار نگرینگیه سی پایان "حزب الهی" - ها نسبت به اصطلاح "منافقین است". زیرا که بهر حال و بیگفته آیت الله "منافقین بدتر از زکات رند" و در نتیجه "هیچگونه احترام ما لسی... بلکه خانی هم ندارند" تباریان این سندها بیان کننده موردی منحصراً بفرده میباشد و نه تخطی از جانب رئیس دادگاه "بزم" صورت گرفته است. بلکه این تبلور نمودی است از عملکرد دستگا قضاوسی رژیم که پیشتر حاکم بر آن بنحو بسیار رکنیه جویا نه و دود منشا نه ای بر علیه نیروهای انقلابی و ضدا میربا لیست میباشد. بهمین دلیل هم هست که می بینیم در "سینا رسا سری دادگاه ها و دادسرا های انقلاب" (در روز ۲۵ مرداد) حکام شرعی - خواهند که دستشان در اعدا مجاهدین و کمونیست ها که "معارضین و ملحدین" هستند با زتر گذاشته شود، زیرا برای جلوگیری از رشد جنبش انقلابی و سازمانهای پیش "با بدچاره ای اندیشید". و راه چاره به عقیده حکسام شرع به بیان "سخنگوی گروه ۱۳ سینا را بنست که" تعدادی از این گروه ها متخفا ملحد و معارضیند و حکام آنها معلوم است اما آنها بی که ادعای ایدئولوژی اسلامی دارند و ظاهراً تنها مخالف درشتی اقتصادی نشان میدهند نیز در حکم معارضین هستند (و باز هم حکم - شان معلوم است - بیکار -) و هر کس سنگ پیش راه انقلاب و سلام ببیند از این حکم راج نیست "این اظهارات، نظریک نظریا گروهی از شرکت کنندگان در سینا رنجست و یکبار هم بیان نشده، بلکه فقط در



کشتارها و جنایت های رژیم را بر طبق "قانون" مشاهده کردند مطمئناً توهشان نسبت به رژیم جمهوری اسلامی بیشتر خواهد بود و ما هیت ضد خلقی و ارتجاعی آنرا بهتر درک خواهند نمود. در اینجا همچنین به سردمداران جمهوری اسلامی با بدگفت که توراها، کشتارها، اعدام ها و بورش های ضدا انقلابی شما به نیروهای انقلابی تحت هربوشی هرگز و هرگز قادر نخواهد بود که جلوی رشد نیروهای انقلابی و کمونیست را بگیرد. جنایات شما فقط عمرتان را کوتاه تر نخواهد نمود. جنبش خلقهای دلورا ایران بر بهری طبقه کارگر شما بان میباشد و بساط شما و کلیه مرتجعین و ضدا انقلابیون را برخواهد چید و نظام جمهوری دمکراتیک خلق را برقرار خواهد نمود.

تاریخ ۲۵ مرداد سخنگوی سه گروه به مناسبت ارائه کننده نظر گروههای متبوعشان معامین فوق الذکر سر را در سینا رنجان نموده اند... (جمهوری اسلامی - ۲۶ مرداد) وقفات بسیار "عادل" و "انقلابی" شرکت کننده در سینا رجم، جعلگی یکمدا و با تکبیر خود را بین پیشنها دات درختان الهی و اسلامی را تا شید کردند. و بدین ترتیب به امیربا لیست ها و خصوما امیربا لیست آمریکا نوید دادند که بزودی حساب دشمنان آنها، یعنی کمونیست ها و دمکرات های مدهبی نظیر مجاهدین، که "ملحد و معارب" هستند "قانوناً" و "شرعاً" رسیدگی خواهد شد. در اینجا بیدیه کسانی که احیاناً ساده لوحانه اظهارات مذکور در باره فقط "پیشنها د تلقسی میکنند گفت که فقط اندکی سیر کنند و بعد هنگامی که

امیربا لیست و دستگیری عده ای از فرماندهان با دگان - ها، سریا زان و درجه داران پیش از پیش به فرماندهان خود بی اعتماد شده اند. آنها مشاهده میکنند که چگونه فرماندهان با اصطلاح "اسلامی" و "مجاهدین" لیست که شما دیروز از جمله آمریکا و کمونیستهای آمریکا ش! و... حرف میزدند، وفا دار به شما و به خصمیا روا میربا لیست از آب درمی آیند. آنها مشاهده میکنند در ارتش که باز - سازی شده و اسلامی شده همان ارتش شما هیتا می است، ارتشی که فرماندهان آن زیر نظر کارشناسان و مستشار - ان امیربا لیست ترتیب یافته اند. چگونه طبق دستور آیت الله خمینی و چمران و بنی مدرمی با بست "لسله مراتب" (بخوان ان عت کور کورانه!) حفظ شود. اما وقتی سریا زان و درجه داران مشاهده میکنند که این فرماندهان، آمریکا ش از آب درمی آیند (در واقع بودند) - نه فقط به این فرماندهان مزدور بلکه بدرستی به کسانی که اطاعت از این مزدوران را "واجب شرعی" شمرده اند نیز بی اعتماد میشوند. و برعکس به نیروهای انقلابی و کمونیست که همواره ما هیت واقعی ارتش را برملا کرده اند پیش از پیش اعتماد دیدا میکنند.

اخبار کوتاهی از ارتش:

موج استعفای نظامیان بازگشته از کردستان افزایش یافته است

اکثر درجه داران و افسرانی که از ما موریت جنگ کردستان سیر میگردند استعفا داده و ارتش را ترک می کنند. این استعفا دلایل مختلف دارد، از جمله ترس از جان و منشا هدهه و مقاومت دلیرانه خلق کرد، بودلوری پیش - مرگه و با انزجار از سرکوب و حشانه ای که ارتش در کردستان اعمال میکند... اینگونه استعفا هادر زمانی صورت میگیرد که برای چند ما موریت جنگی بین ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان حق ما موریت (حق کشتار خلق کرد!) به افسران و درجه داران پرداخت میشود. پس از کشف کودتای ارتجاعی - امیربا لیستی، بی اعتمادی سربازان به فرماندهان پس از برملا شدن افشای کودتای ارتجاعی عوام

بیدادگری "دادگاه های انقلاب" علیه انقلابیون و زحمتکشان محکوم است

جنبش کارگری



پیروزی کارگران رادیو شهاب با بهره گیری از سلاح همبستگی

روز دوشنبه ۵۹/۵/۱۳ کارگران کا رخا نه را دیو شهاب (قسمت نجاری و کابینت سازی واقع در شرق تهران که حدود ۵۰ نفر هستند) بدنبال مبارزات طولانی و چندین ماهه خود در محل دفتر شرکت در خیابان جمهوری منحن شده و اعلام کردند تا زمانیکه حقوقشان برپا نماند از خروج کارفرما جلوگیری میکنند.

کارفرما قبلاً اعلام کرده بود که میخواهد پس از تمام شدن کابینت های نیم ساعتی کا رخا نه را تعطیل کند. به همین خاطر کارگران تصمیم میگیرند که تا زمانیکه کارفرما مواد خام را برودت نکند از خروج کابینت های ساخته شده جلوگیری نمایند. از طرف دیگر کارفرما هم چهل روز بود که حقوق کارگران را برپا نداشت و در این مدت آنها خیلی تحت فشار مالی بودند اگرچه شورای کارگران (که از عناصر مبارزی تشکیل شده است) با ابداع صندوق اعتبار تا حدی احتیاجات آنها را برآورده میکرد، اما آنها همچنان تحت فشار مالی قرار داشتند. کارگران پس از زنگوا نگیری کارفرما خواستار برپاداش حقوق خود و تعیین تکلیف کا رخا نه شدند.

بعد از ظهر همین روز کارفرما به بهانه تمام شدن مواد خام، به بهانه سدا ران خبر میدهد و آنها تمام کارگران را با خود میبرند. در محل سیاه سالن کارگران بد رفتاری میشود و حتی یکی از آنها را کتک زده و در مقابل از کارفرما حمایت میکنند که البته از سدا ران سرما به جز این هم انتظار نیست. با اینهمه مقاومت و یکپارچگی کارگران آنها را مجبور میکند که در مقابل خواست کارگران تسلیم شوند. از اینرو کارفرما حقوق کارگران را برپا نداشت و میگوید تا بعد کارگران نولید کنند و بعد از بعد هم اگر خواستند این قسمت را تعطیل کنند کارگران را در قسمت موشنا ژنلویزیون بکار میگیرند. به این ترتیب کارگران بیروزمندان بعد از ظهر همان روز به سرکار خود برمیگردند.

در ضمن کارگران قسمت موشنا ژم از این عمل کارگران (قسمت نجاری) حمایت کرده و در قسمت خود جلوی سرپرستها و عوامل کارفرما را که میخواهند به محل تحمّل رفته و آنها را به هم بریزند میگیرند. پیروزی مبارزات حق طلبانه کارگران

مبارزه کارگران تراکتورسازی تبریز در اعتراض به افزایش ساعت کار، انحلال شوراها، اخراج کارگران مبارز و...

۲- کارگران هر قا نوسنی را که از لادیکته سود کسانیکه هرگز در دکا رگررا نمی شناسند آنرا نصب کرده با شندخوا هندیذرفت... تا ما خودمان در تدوین و تهیه قانون کار شرکت نداشتیم، قوانین آن مورد قبول ما نخواهد بود.

۳- ما خواستار برپا زکردن کارگران را اخراجی بویژه آقای نقرشی میباشیم.

۴- ما خواستار ۴۰ ساعت کار در هفته، تعطیل پنجشنبه ها و... میباشیم

هنگامیکه این سخنخوا ستها ی کارگران را اعلام میکرد صفوی با لحنی خفا نه ای آنها را بمخهر می - گرفت. در این موقع وی فریاد کشید: "نخند آقای صفوی!" و صفوی زیر کینا رنگا ههای پر کینه و خشن کارگران و خشت زده خود را جمع کرد.

پس از این سخنان این کارگر مبارز، بغیبه با کف زدنهای خود حرفهای او را تا بید کردند. صفوی نیز تا گزیر با بغیبه هماغی نشان داد ولی پیش خود فکر میکرد که چگونه با این کارگران روبرو شود. وی بهنگام صحبت بسیار کوشید تا از با سخ مستقیمه خوا ستها ی کارگران شانه خالی کند، اما کارگران اعلام کردند که روز شنبه ۵۹/۵/۲۵ برای گرفتن با سخ خوا ستها ی خود در میدان قیام اجتماع خواهند کرد.

درا یمنروز (۵۹/۵/۲۵) تا ساعت ۹ صبح حدود ۲۰۰ نفر در میدان قیام اجتماع کردند در این میان کارگسرا ن وابسته به حزب توده برای به تکست کشاندن مبارزه کارگران شروع به سمپاشی کردند. آنها مسئله کودتا و خطر سقوط رژیم را پیش میکشیدند و می گفتند که در این عقبه در صفحه ۴

بدنبال مدورا اطلاعیه های از طرف کا رخا نه تراکتور سازی تبریز، مبنی بر افزایش ساعات کار در هفته به ۴۴ ساعت و شش روز کار در هفته بدون تا هار، همچنین انحلال شوراها و کم شدن مرخصی سالانه و سایر قوانین ضد کارگری، بتدریج زمزمه اعتراض بین کارگران آغاز میگردد و با تلاش کارگران آکا ه و مبارز سرانجام صبح روز شنبه ۵۹/۵/۲۱ حدود سیصد نفر از کارگران دست از کار کشیدند و در سالن قسمت اداری اجتماع میکنند. آنها شعار میدادند: "ا لیش هفته ده فرخ ساعت (کا ر هفته ای چهل ساعت)" "کا رگر لبریا ولسون، آمریکا نابود ولسون" (کا رگران متحد شوند، آمریکا نابود) "کا رگر لبریا ولسون، شورا لار تشکیل اولسون" (کا رگران متحد شوند، شوراها تشکیل بشه) "کا رگر لبریا ولسون، بهنخستنه تعطیل اولسون (کا رگران متحد شوند، بهنخستنه ها تعطیل بشه)

پس از مدتی شعار دادن حدود ساعت ۹/۳۰ صبح صفوی مدبر عام مل جدید که از طرف سازمان گسترش و توسعه سازی صنایع معرفی شده است، بمیان کارگران میرود تا با ملاحظ به خوا ستها ی آنها با سخ گوید. در این هنگام از آنها که سالن مذکور کوچک بود و تعداد کارگران به حدود سیصد نفری میرسد آنها پیشنها دگر دند که بمیدان قیام میروند تا تجدید عهدی هم روزهای برنکوه جنبش مردم کرده باشد! کارگران در حالیکه با های خود را محکم به زمین می گویند بنیادینا تکرار شعارهای مذکور با شور و شوق چشمگیری بطرف میدان قیام حرکت میکنند. در حین حرکت، دسته های دیگری از کارگران به صف دوستان می پیوستند بطوریکه وقتی صفوی میخواست صحبت کند پیش از ۲۰۰ نفر اجتماع کرده بودند. (البته از کارمندان کسی شرکت نکرده بود.)

در این اجتماع ابتدا چند تن از کارگران صحبت کردند و در خلال سخنان نشان نسبت به انحلال شورا، اخراج نمایندگان نشان بخصوص نقرشی اعتراض کرده و خواستار تدوین قانون کار با حضور نمایندگان واقعی کارگران شدند. سپس سخنگوی کارگران خطاب به صفوی خواستهای کارگران را بصورت زیر بیان کرد:

۱- ما خواستار تشکیل هر چه زود تر شورا هستیم. البته نه شورا ای فرمایشی که لایحه اش بنیاد زکی اعلام شده و چاقی است علیه کارگران، بلکه شورا ای که بطور مستقل و بوسیله نمایندگان واقعی کارگران تشکیل شده باشد. (پس از اعلام هر خواست کارگران سه بار با گفتن صحیح است، آنرا تا بید میکنند.)

مبارزات کارگران چاپ ادامه خواهد داشت

روز یکشنبه ۵۹/۶/۲، کارگران کا رخا نه با بمشطور کسب برخی از حقوق صنفی خود در کا رخا نه کار جمع شده و میتسنگی اعتراضی برگزار نمودند. ابتدا فرا ر بود از این محل یک راهبیماشی صورت بگیرد که بدلیل مخالفت تهدید آمیز وزارت کشور لغو گردید. عصر روز یکشنبه، علی رغم تبلیغات وسیعی که برای مانعیت از جمع شدن کارگران برپا شده بود، تعداد کثیری از کارگران چاپ در محل "کا رخا نه" اجتماع کردند. در این مراسم چند تن از کارگران سخنای ایراد

کردند. سخنرانهای کارگران همگی حکایت از سالا بودن سطح آکا هی و همچنین روحیه مبارزه جوانه و حق طلبانه آنها داشت. یکی از کارگران در سخنان خود از جمله چنین گفت: "عده ای که تا زهر سیده اند و پسته های بالای مملکتی را غصب کرده اند، هیچکدام به وضع ما رسیدگی نکرده و از دردمان ما خبردار نیستند." وی پس از اعتراض شدید به حقوق نون سود ویژه گفت: "املاقا نوسنی که برای ما وضع شود بدون تصمیم و

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

نگاهی به مناظره تلویزیونی مسئولین وزارت کار با نمایندگان گروهی از کارگران درباره لغو سود ویژه

واقع همان وزارت سرمایه) فشار می آوردند و میگفتند "تکلیف ما چیست؟" مسلم است که این کارفرمایان و سرما به داران بودند که درست سره ما هوبا سربوچ که بی با است سود ویژه کارگران را بپردازند و دست به دامان وزارت کار جمهوری اسلامی دولت میشدند تا با قوانین ضد کارگریان به کمک سرما به داران بیابند! و گرنه کارگران ما را بخواهند میدادند که برای گرفتن خواسته های سرحقشان تا گیرند که بمبارزه ای یکپارچه دست بزنند.

وزیر کار: "به ما انتقاد میکردند که مشکلات ما (یعنی مشکلات کارفرمایان) و جمله مشکل ایجاد است سود ویژه به کارگران (برای شما ملموس نیست، البته تمام این مشکلات برای ما ملموس بود." (توضیح داخل پرانتز از ما است)

از آنجا که وزیر کار خودش سرما به داران را حساب کارخانه "اپتیوم" (واقع در جاده کرج) میباید، پس کار ما طبیعی است که مشکل بقیه سرما به داران به خوبی برای ما ملموس باشد.

سرما به داران همواره از پرداخت همان حقوق نا چیز همه کارگران ناراحت هستند و بدنبال فرصتی می گردند تا از آن هم کمترین بپردازند و آنرا به جیب های گنا خود بریزند. مشکل مسئولین کارخانجات هم همین بوده که میخواهند سود ویژه کارگران را قطع کنند.

وزیر کار رژیم جمهوری اسلامی هم مانند بقیه سرما به داران تمام این مشکلات را کار ما می کند!!

وزیر کار: "وزارت صنایع در مورد صنایع ملی شده مرتب از ما سوال می کردند و ما برای این فوریت مسئله کار ما محسوس بود."

این حرف وزیر کار نشان میدهد که وزارت صنایع هم درست مانند کارفرمایان خصوصی برای نپرداختن سود ویژه به کارگران بی تایی میکند. چرا؟ زیرا رژیم جمهوری اسلامی، دولتی طرفدار سرما به داری و استعمار کارگران است. همانطور که کارفرمایان خصوصی کارگران را استعمار میکنند و حاصل آنرا به جیب خود میزنند، رژیم جمهوری اسلامی هم سوسط وزارت صنایع کارگران کارخانجات دولتی شده را استعمار میکنند و حاصل آنرا به جیب طبقه سرما به داران میریزد و به همین جهت هم بود که به وزارت کار فشار میآورد تا هر چه زودتر سود ویژه را قطع کند تا آنها بتوانند بیشتر کارگران را استعمار کرده و به طبقه سرما به داران رخصت کنند.

وزیر کار در خلال سخنانش میگوید، تورم تندی را که در جامعه وجود دارد به گردن کارگران میاندازد. وی وانمود میکند که اگر به کارگران سود ویژه بپردازد، تورم بیشتر میشود. ما می پرسیم: چطور وقتیکه واهای چند میلیون تومانی به سرما به داران می پردازند "سیت المال" و "بالارفتن" تورم بدتان می رود؟ چطور زمانیکه با بت دولتی کردن بانکها و صنایع، غرامتهای چند میلیار دلاری به امپریالیستهای می پردازد در صورتیکه اگر دولتی انقلابی سر کار بود آنها را ماده

در روزهای دوشنبه ۲۷ و چهارشنبه ۲۹ مرداد، تلویزیون جمهوری اسلامی در مورد سود ویژه مناظره ای ترتیب داده که بیشتر به دعوی زرگری شایه داشت. در این مناظره به ظاهر دوسه طرف مخالف هم به بحث نشسته بودند، اما در این مختصر نشان خواهیم داد که هر دو در یک صف قرار دارند و آنچه که دعا میکنند فریبی بیش نیست. در مناظره مذکور سه گروه و دو نفری شرکت داشتند: گروه اول، وزیر کار (سعید زاده) و سخنانی مدیر کل سهام کردن، گروه دوم، حکیمان و کتایوری که اگر چه به لباس کارگر درآمده بودند ولی در واقع از تصمیم وزارت کار و شورای انقلاب حمایت می کردند. گروه سوم، فریبی و کتالی بودند که مانند گروه قبل اگر چه با کارگرند ولی در واقع از اردو دست خیزب جمهوری اسلامی بوده و علیرغم مخالف خوانیهاشان از منافع سرما به داران حمایت می کنند و مانند بقیه کوشان برای اینست که جلوسا زرات واقعی کارگران را



حتی در بدست آوردن خواسته های اولیه شان بگیرند. وزیر کار چه می گوید؟

وزیر کار رسیده تلاش می کرد تا آمارهای قلابی نشان دهد که لغو سود ویژه به نفع کارگران و به ضرر سرما به داران است. کوششهای مسخره آقای وزیر کار مثل این بود که کسی بخواد آمارهای جعلی ثابت کند که ما ست بیاهاست. نگاه می بگفته های دیگر او دروغهايش را بیشتر روشن می کند.

وزیر کار: "بعضی از آقایان می گویند، هیچ فوریتی نداشت... ولی ارتطرا ما اینطور نیست، زیرا سود ویژه در بعضی از کارخانجات بصورت ما هیا نه پیر - داخت می شود و از اواسط فروردین ما هیا مراجعه می - کردند و می گفتند که تکلیف ما چیست و بیما سود ویژه را باید بدیم چه صورتی منعقد کنیم... ما حتی مجبور شدیم به علت فشاری که بیما می آمدند بیاطلاع به بدیم... که از انعقاد هر گونه بیما خودداری کنند ما با بررسی کنیم... چون بعضی از کارخانجات سه ما هیکار رسود میدادند... ما رسیدن خود دانا ز این فنا ریشتر می شد."

ما می پرسیم، با توجه به اینکه کارگران با لغو سود ویژه مخالف هستند، چه کسانی به وزارت کار (با در

شرکت ما با شد بدرد نمی خورد". یکی دیگر از کارگران ضمن اعتراض به لغو قانون سود ویژه گفت: "من با حساب برانگشتی حساب کردم که با لغو قانون سود ویژه هر سال ۵ هزار تومان از من کم سوبه جیب سرما به داران اضافه میشود... ما با بدبختانیم که خود ما با آنجا دو همیستی، حقمان را از سرما به داران بگیریم."

در پایان مراسم قطعنامه کارگران چاپ خوانده شد و سپس به نشانه اعتراض به امپریالیست آمریکا پرچم این کشور به آتش کشیده شد. کارگران مبارز چاپ در قطعنامه خود مدت ۱۵ روز به مقامات مسئول فرصت داده اند تا به خواسته های ما رسیدگی نمایند. آنها همچنین اعلام کرده اند که در غیر این صورت را هیما شی بزرگی برگزار خواهد نمود. در قسمتی از قطعنامه سندیگای کارگران چاپخانه های تهران و حومه آمده است:

- ۱- ما خواهان لغو قانون جدید سود ویژه که منقح سرما به داران استندار است و بپردازد است آن بر مبنای آخرین دستمزد (بیما شایه دستمزد) تا تصمیم جدیدی که با شرکت نمایندگان منتخب همه کارگران ایران اتخاذ شود، میباشیم.
- ۲- ما کارگران خواهان تدوین قانون کار بدست نمایندگان منتخب کارگران ایران میباشیم.
- ۳- ما کارگران خواهان بازگشت کارگران بیکار سربوچ را خود و جلوگیری از اخراج سربوچ کارگران میباشیم.

بقیه از صفحه ۳

مبارزه...

شرایط اعتصاب و اجتماع سنف کودتا جیها و آمریکاها است! آنها حتی و قیحا نه تهدید میکردند که کارگران مبارزان به هیئت با کسای معرفی خواهد کرد! همدلی کارگران هوادار فداشایان (اکثريت) نیز با توده اشیا موجب تفرقه بیشتر بین کارگران گردید و آنروز پراکنده شدند.

ساعت ۱ بعد از ظهر همین روز (۵۹/۵/۲۵) سربوچایی رئیس هیئت با کسای به کارخانه می آمد و ضمن سخنانش برای کارگران میگوید: ما به دسته را اخراج خواهیم کرد. ۱- ما و کبها ۲- کسانیکه در جهت انقلاب نیا شد ۳- کسانیکه مشکلات امروز را به رژیم نسبت دهند و به نحوی بخواهند از آن استفاده کنند روز یکشنبه ۵۹/۵/۲۶ از طرف هیئت با کسای ما می ۸ نفر اعلام گردید. در میان این اخراج شدگان و در کتار ما می افراد وابسته به رژیم مزدور شاه نام چندتن از کارگران مبارزی به چشم میخورد که در زمانه های مبارزات و اعتصابات قبل از قیام نقش فعالی داشتند و بعضی از آنها خود از اعضای فعال شورای کارگران بودند. (ادامه دارد)

نشریه ای برای کارگران

از انتشارات کمیته خوزستان سازمان:

نفتگر، به پیش!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تازمانیکه ۳۵٪ بر دستمزدها افزوده نشده "سود ویژه" گذشته پیرداخت باید گردد!

کمکهای مالی دریافت شده

الف	۲۸۲۵۰	ش	۶۴۰۰	ک	۱۳۰۰۰
ب	۲۲۰۰	شک	۷۵۰۰	کل	۵۲۰۰۰
ج	۵۰۰۰	چ	۱۲۰۰۰	ا	۶۸۱۰۰
د	۱۳۲۵۰	"	۳۲۰۰	کد	۲۷۲۰۰
ه	۳۲۰۰۰	"	۶۲۰۰	ل	۲۵۰۰
و	۳۵۰۰۰	"	۷۲۰۰	م	۲۴۰۰۰
ز	۲۹۹۹۰	ط	۱۰۰۰	"	۴۳۰۰
ح	۴۲۰۰	ذ	۱۴۰۰	"	۳۰۱۰
ط	۱۳۰۰۰	ع	۲۱۰۰	"	۲۸۰۰
ق	۱۲۹۰۰	"	۱۰۰۰۰	"	۴۲۰۰
ک	۵۵۰۰	"	۷۰۲۰	"	۲۸۰۰
خ	۳۰۰۰	"	۱۲۸۰۰	"	۳۰۰
گ	۲۲۰۰	ع.ب	۱۰۳۰۰	"	۳۳۰۰
ج	۲۴۰۰	ع	۷۰۲۰	"	۴۱۰۰
د	۶۲۰۰	ف	۳۰۰۰	"	۱۷۰۰
ه	۱۵۰۰	ف	۱۲۷۰۰	"	۱۲۱۰۰
و	۱۳۲۰۰	ف.ج	۲۱۴۰	ی	۳۰۰
ز	۵۰۰۰	ق	۶۲۷۱۰	"	۱۱۸۰۰
ح	۲۴۰۰	ک	۲۳۸۰۰	"	۲۱۰۰۰
ط	۶۲۰۰	"	۱۱۰۰۰	"	۲۱۷۰
ق	۱۸۲۰۰	ک	۳۳۰۰	"	۲۱۰۰

- ۱- رفقای کارگر کوره بختا نه های منطقه مهباد، کمک مالی شمارسید.
- ۲- رفیق کارگر هوادار زمان درشت، مبلغ ۳۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۳- رفیق کارگر هوادار زمان درهوار، مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۴- رفقای هوادار زمان در کوهرنگ شهرکرد، مبلغ ۹۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۵- رفقای دانش آموز هوادار زمان درشت، مبلغ ۲۵۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۶- رفقای دانش آموز هوادار زمان درنده، مبلغ ۱۳۵۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۷- رفیق (م و و) دانش آموز هوادار زمان در بستان و آب مبلغ ۱۵۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۸- رفیق ش، دانش آموز هوادار زمان در ایرانشهر مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی ات دریافت شد.
- ۹- رفیق راننده زاروسیه، مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۱۰- رفقای هوادار زمان در شهر فرائگفور آلمان مبلغ ۴۵۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۱۱- رفیق شاهین، مبلغ ۸۵۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۱۲- رفیق ا، و او زبیر بزرگک مالی ات دریافت شد.
- ۱۳- رفقای بزرگ هوادار زمان، مبلغ ۷۰۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۱۴- رفقای مهدن هوادار زمان، مبلغ یک میلیون ریال کمک مالی شمارسید.
- ۱۵- رفقای اتحادیه دانشجویان ایرانی در سوئد هوادار زمان، مبلغ ۷۰۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.
- ۱۶- رفقای هوادار زمان در شهر ویرتال آلمان - غربی، مبلغ ۴۱۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسید.

معرفی نشریه زحمتکشان

چهارمین شماره "کوهرنگ" نشریه زحمتکشان چهارمحل بخناری منتشر شد. این نشریه با وجود عمر کوتاه نتوانسته در منطقه شهر کرد با یکاهستار زیادی پیدا کند. در آخرین شماره آن از جمله آمده است:



"کودتا"، "جمهوری اسلامی یعنی این!"، "اخبار منطقه و..."
ما برای رفقای دست اندرکار این نشریه در راه انجام وظایف انقلابی آزادی موفقیت داریم.

توضیح:

به علت محدودیت فضا - سکار - دساله خاطر آن یک سری از درسار بعدی جا - نمود.

کارگران مبارز پوشش، نمایندگان اخراجی خود را پس کار بازگرداندند

روز چهارشنبه ۵۹/۶/۵ هشت باکس از ۲۶ نفر از کارگران مبارز و نمایندگان شورای بوش را اخراج کرده و مانع ورود آنها به کارخانه میشود. اما کارگران مبارز این کارخانه همبیکسار نشسته و ۲۶ نفر نماینده و کارگر مبارز را در داخل کارخانه استوار خود بیلند کرده بودند داخل کارخانه آورده و به تظاهرات پرداختند. کارگران قهرمان بوش در این تظاهرات قریب دویست نفر شعار میدادند: "اتحاد، اتحاد، کارگران، اتحاد، علیه سرمایه دار، علیه امپریالیسم"، "درد بر کارگر، مرگ سرمایه دار"، "مرگ بر ارتجاع"، "اتحاد، مبارزه، بیروزی".

و با این ترتیب با دیگر عا زمیستگی و اتحاد و مقاومت کارگران را در برابر چرخان وحشت زده مزدوران کارفرما و انجمن اسلامی بنمایش گذاشتند. آنها با ردیگر نشان دادند که تنها از طریق مبارزه می توان از اخراج کارگران مبارز و کارگران جلودگیری کرد و در برابر قدرت همیستگی کارگران، هیچ نیرویی با رای ایستادگی ندارد.

رزمندگان...

در شوروی عربان مبارز، همانطور که قبلا دیده ایم رفقای رزمندگان ساخت امپریالیستی شوروی را بنی می کنند بنظر ما ریشه این پاسخ نفی گرایان در همین دو عامل فوق یعنی تنزل رویزبونیستی و درک غیر علمی از تحولات طبقاتی قرار دارد. رفقای رزمندگان با نفی ما هیت بورژوازی و امپریالیستی طبقه کارگر و اتحاد مصلط در شوروی عملا به جدید نظر در ما تریا لیم تاریخی دست میزنند. چرا؟ زیرا زمانیکه نظام کارگر پر شوروی، سوسیالیستی از سیاسی نمیشود و درین حال این نظام سرمایه داری و امپریالیستی نیز قلمداد نمیگردد، بنا بر این نظر جدیدی با بد در شوروی جا می افتد. در حقیقت این دیدگاه به نظر دیگری غیر از نظر مهای پنجگانه اساسی تولیدی معتقد میگردد. ما رکیسم بر آنست که هیچ نظام تولیدی یعنی نظام اشتراکی اولیه برده داری، بشود البته سرمایه داری و سوسیالیسم نظامی اساسی تولیدی میباشند و بعلاوه، برابن مسئله تا کیدار دکمین سرمایه داری و کمونیسم دوران انتقالی انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا قرار دارد. ولی ما در تقابل با این آموزش ما رکیستی مواجه با نظام تولیدی اختراعی می شویم. نظامی که سرمایه داری است و نه سوسیالیسم (کمونیسم) است. دیدگاهی که چنین نظام مخلی و غیر واقعی را مطرح میسازد عملا به بورژوازی خدمت میکند. زیرا آنچه در شوروی واقعیت دارد همان نظام تولیدی سرمایه داری بوده و قوانین اقتصادی کارگر پر شوروی نیز همان قوانین بورژوازی میباشند. حال زمانیکه دیدگاه هی انحرافی این واقعیت واقعی می کند و بر جا کمیست بورژوازی و سرمایه داری امپریالیستی شوروی برده ساریکند، آیا به بورژوازی خدمت نکرده است؟ آیا طبقه کارگر را در مسارزه علیه سرمایه به طبع سلاح ننموده است؟ آیا در استرازی و تانک پرولتاریا اختلال بوجود نیاورده است؟ آیا مرز بندی دقیق بین دوستان و دشمنان انقلاب را مخدوش نساخته است؟ (ادامه دارد)

میکرد) "بالا گرفتن تورم" فراموشان میشود اما درست موفقی که فراتر است سود ویژه را که قسمتی از دستمزدها جبر کارگران است بیدار بیدادنان میاید که تورم بالا میرود؟! جنا و وزیر کار را بیدادنان با شکر شانه ها شین نیز برای اغافه نکردن دستمزدها کارگران همین گونه طسفه با فی میکرد. اما بنیستم علت این مسائل چیست؟ واقعیت اینست که رژیم جمهوری اسلامی مدافع سرمایه داران و دشمن طبقه کارگر و زحمتکشان بوده و بسا امیربا لیستینا برپا زش دارد. بنا بر این اگر هم خواهد جلوی بالا رفتن تورم را بگیرد فشار آنرا بر دوش کارگر - ان و زحمتکشان وارد میاورد.

اکنون گوشه های از سخنان نمایندگان کارگران را (گروه دوم) که به طرز فراطرفه کارگر و در واقع مدافع سرمایه داران بودند مورد بررسی قرار می دهیم کاتون شورا های اسلامی (لیلاند موتورز) چه میگوید؟ از روی محسنتهای کنش روزی و حکیمان که در وفراز نمایندگان شرکت کننده در مباحثه بودند، نشان خواهیم داد که آنها مدافع کارگران نبوده و مستقیما از رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و بخصوص ارتجاع بینی - صدر دافع انبیکردند و کارگران را زیر پایامیکند استند یکی از این دو با ملاحظ نماینده کارگران در مباحثه تلوویزیونی گفت: "این اعتراض در مورد سود و بیسزه نیست... در این مورد هیچ مسئله ای نیست و ما موا قسب هستیم و مسئله ما دیات مطرح نیست و بنی گوئیم که این سود ویژه که لغوشد یک حقی از توده های کارگران داده شده، چون آنقدر این توده مردم، این خلق مستضعف جان فشانی کردند، اینقدر از مسائل گذشته اند که این مسائل را هم در بیرون مسائل اگر از آنها بخوا هندی گذرند... در مورد سود ویژه هیچ یک از شورا های اسلامی در میان نگذاشتند با کارگران محبت نکردند که ما می خواهم سود ویژه را لغو کنیم و اصل هیچ چیزی هم جا بگیرد آن کنیم، وقتی این را کارگر درک نکند که در یک شرایطی هست که با بدکیم به انقلاب بکنند در آن زمان از جانش هم میگذرد، چه برسد به این دو ما هویک ما... می خواهم فقط به کارگر شخصیت بدهند، به حسابش بنیاورند، حتی اگر بخوانند هیچی پیش ندهند فقط به حساب بنیاورند..." (تا کیدار زمان است)

این آقایان بجای آنکه از مافع کارگران دفاع کنند به تلوویزیون رفتند آنکه عمل ضد کارگری لغوسود و بیسزه را نشاید کنند. این آقایان فکرمی کنند با این حرفهای عوام فریبانه که برای کارگران ما دیات مطرح نیست! مینوانند بر روی ما هیت استنما رگرا نه و سرمایه داری دولت برده بکشند!

نه آقایان! اتفاقا اینجا درست بحث بر سر مادیات است. بحث بر سر اینست که سود ویژه که قسمتی از دستمزدها کارگران است به جیب سرمایه داران برود و بسا نیست استنما ریشتر کارگران سودی با کارگران پرداخت گردد این به اصطلاح نمایندگان همه انتقادان بسه وزارت کار در این خلاصه میشود که چرا با شورا هادر میان نگذاشتند. ما بدیهه این پاسخ داد که مشورت نکردن وزارت کار با شورا های کارگری یک امر طبیعی است. زیرا دولت حامی سرمایه داری برای کمک به طبقه سرمایه دار و دیگر احتیاج به مشورت با کارگران ندارد و آنچهی اگر بغرض محال مهاب شورا های واقعی کارگری مشورت میشد، آنها هرگز نمی گفتند که چه عیبی دارد سود ویژه را قطع کنید. بدون آنکه چیزی جایگزین آن شود بلکه برای گرفتن این خواست اولیه خود مسارزه میگردند. (ادامه دارد)

توجه کنید!

فتوایی از آیت الله خمینی در تقدیس مالکیت

رحمتگان توجه کنید!
کسانی که خانه و زمین ندارند توجه کنند!
کسانی که انتظار دارند در جمهوری اسلامی جانی برای زمینخواهان و مفتخواران و سرمایه داران نخواهد بود، توجه کنند!
کسانی که فکر میکردند جمهوری اسلامی قدمی است به جلو، نه به عقب، توجه کنند!
سند زیرمشتل بر ۹ فتوای جدید از آیت الله خمینی است که در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۷ از ایشان استفتا شده و همگی مبهوره مهر آیت الله می باشد. در ذیل فتوایها مهور و رابط عمومی سپاه داران نیز مجسم میخورد که در کتاب آن نوشته است:

"در تمامی بافترا تمام موارد فوق مورد تأیید قرار گرفت اگر چه متعلق به چند ماعقل است. اما"

سوالات و فتوایها بسیار روشن است و احتیاجی به توضیح چندانی از طرف ما ندارد. ما در یک کتاب ۱۳ مورخه اول مرداد ۵۸ ضمن نقد و بررسی کوتاهی از "سخن آیت الله خمینی خطاب به ما حیوان مناسع" نقل قول دیگری از ایشان آورده ایم که مازهم خواندنی است. ایشان همان یکسال پیش که هنوز بسیاری از توده های مایهت واقعی رژیم پی نبرده بودند گفته است:

"البته اجازه نخواهم داد که (مسئولین کشور) بگفتم هر - خلاف اسلام بر دارند. اسلام مالکیت را بطور مشروع تثبیت کرده و اجازه داده است."

ایشان سپس به ما حیوان مناسع که طرف خطابش بوده اند تأطمینان میدهد که:

"اینجا ملکیت کمونیستی نیست که دولت هر چه بخواهد بکند، ملکیت اسلامی است. مالکیت را بسره رسمیت می شناسد."

اینگونه اظهار نظرها از جانب سران خرده بورژوازی مرفه سنتی بهیچوجه برای کمونیستها امرنارهای نبوده و نیست. چرا که خرده بورژوازی بنا به ماهیت طبقاتی خود سرمایه را مقدس می شمرد و تمامی رهبران سیاسی و مذهبی این طبقه علیرغم تمام مپوشها و کلمات فریبنده و زیبا در وصف زهد و تقوی و حمایت از مستضعفین و... از این قاعده بری نیستند و موردی که در اینجا از آن سخن می رود نیز تا شیدی است بر ادعای کمونیستی ما.

در سند زیر که عین آنرا ملاحظه می کنید، آیت الله در پاسخ به سوال اول می نویسد:

"اموالی که از غیر طریق حلال در دست کسی باشد بر طبق موازین شرعی از او گرفته می شود."

آیا تاجر بزرگ با زار که یکی از آنها مثل حاج حسین مهدیان می توانستند ۸۰ میلیون تومان کل موبسه کنیان را بخرد یا حاجی ها ئی که ویلا هسای شمال شهرشان میلیونها تومان می آزد و کسانی که از "برک انقلاب" سودهای سرمایه آموری از فروش اجناس و کالا - های احتکار شده بدست می آورند، اموالشان "حلال" است؟ یا میتوان جزا طریق غارت و جباول رحمتگان مال اسرری نمود؟ یا ثروت مند شدن سرمایه داران جز

از طریق هر چه فقیر شدن رحمتگان امکان پذیر است؟
بدیهی است که "چاقو دست خود ترا نمیبرد" و رژیم می که سرمایه داران و تاجار بازاری را در پناه خود دارد، فتوا - هایش جز حمایت از آنها، بر علیه رحمتگان نخواهد بود.

در فتوای دوم، آیت الله جدی برای ثروت نمی - شنا بدجز "تحصل از راه حلال و مراعات وظایف شرعیه" آسایس تاجار و سرمایه داران که اکنون با ریش و تسبیح حلق الله را جباول می کنند، و آتقدربه آیت الله - سخیه در صفحه ۱۲

۱۷ شهریور ۵۸ شمسی ۱۹ رجب القبی ۱۴۰۰

حضرت مبارک و رهبر عظیم الشان اسلام حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی مد ظله العالی

س از الهه عرض سلام و تحیات و فرجه استعا داریم بچند سؤال ذیل پاسخ فرمائید

۱ آیا اموال چه کسانی را میتوان مصادره کرد

۲ آیا تحصیل ثروت از راه حلال در اسلام حرام است

۳ اگر کسی زمین را از راه حلال خرده یا بشه یا بارت آورده باشد چه در شهر چه خارج

۴ اگر کسی زمین موات را حیا کرده بصورت باغ یا باغچه در آورده میتوان با اجاره از او گرفت

۵ اگر کسی دو عدد منزل داشته باشد یکی را در روز و اجناس را داشته باشد آیا منزل دیگر را بجزا می شود از او خرید یا اجاره کرد

۶ اگر کسی مثلا ده جریب زمین دارد و خودش با ضرورت زراعت کردن نیاز دارد باقیمانده را بفروش کند آیا میتوان کسی را بجزا گرفت برای زراعت یا بکسی اجاره ده در مال الاجاره دریافت نماید یا باید بگوئیم گفته شود حتما باید اجاره الهی را بکند در وقت کفنی

۷ آیا چه نوع مرستی در اسلام حرام است

۸ در مساجد یا غیر مساجد غیر از اجل علم کسی حق دارد امام جماعت بشود

۹ آیا زمینها بجز مالک معین داشته و فنانمای آنها حقل شده بدون رضایت مالک آن میتوان کسی نصرت آن در آن خانه بسازد

سئوالها و پاسخها در این فتواها درج شده است

زمانیکه کمونیستها مدنی مزدور را بیرحمانه افشا می کردند، حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها و رویزیویستها از او بیدریغ حمایت می کردند.

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماشای آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

بزرگتر است؟ آیت الله خمینی مجاهدین خلق را "فربنگار" خواند و به نصیحت‌هایش دینداران را از مسوولیت‌ها دور کرد. در آن سالها با او در نجف ملاقات کرده‌اند (۱)

سیاسی روز تبدیل گشته بود. حمایت خویش را از سرنامه - های حزب (یعنی همان نوطه‌ها) که آیت الله علیه‌نبروهای انقلابی و جنبش خلق سیمان کشیده بود) اعلام کرد ولی به نبرخ حمله خود را متوجه نبروهای انقلابی نمود.

- تب ضد کمونیستی و ضد مجاهدین و حملات هیستریک اخیر دستگاه‌های وابسته به رژیم جمهوری اسلامی علیه کمونیست‌ها و مجاهدین خلق ما هیت رژیم را بیش از پیش بر توده‌ها عیان ساخت.
- رهبری فعلی مجاهدین هرگز نفع خود ندانست که تمام حقیقت گذشته مجاهدین را به توده‌هایش، به اعضا و کادرهای جوانش بازگوید. چرا؟!!

آیت الله خمینی، در سخنرانی خود، علیرغم آنچه ادعا می‌شود که "زبان را سا بجز سر راستی کرد" اند "به

سزنان داد که هرچند که در جنبه‌ها هیت طبقاتی نشان دادند و کفر و سوسی مجاهدین و دیگر نبروهای انقلابی برنا بکنند. یک تب ضد مجاهدین خاص، با لاکرنت (تب ضد کمونیستی که همواره در اوج بوده است) - بر مقاله - های اطلاعات و جمهوری اسلامی و کپهان و... سخن - رانیهای رادیکالی (دعا بی وها نمی رفتن جانی و بی‌خود نبود...) اما همه با آیت الله منتظری و متکیبسی و ربانی و... و منبرهای مساجد، بدکوشی به مجاهدین موضوع روزتان شد. اما محسوی این حملات که در سطوح مختلف صورت می‌گرفت آنچنان بوک بود که بیشتر رسوایی اجرا کنندگان برنا به رافرا هم می‌کرد. دعوت مجاهدین به مناظره تقدیرگرا رند و عمومیت یافت که کسان به فلان محدود و نچمن اسلامی فلان دبستان نیز مجاهدین خلق را به مناظره دعوت کرد و راجع به طاهر و ز ظاهری "نما بنده مجلس از کار زورن" هم که تا بر سر وز معتقد بود حدیثی که می‌گوید "زین روی ناخ کامی - کرد" (!!) درست است و یا بد آنرا قبول کرد و رفتار و کردارین در زندان شیراز (سالهای ۵۲ و ۵۳) با دیگر زندانان انقلابی و مبارزانان تعصب آلود و کوتاه نظرانه بود که بعد است بعنوان سمبل یک تفکر بسیار ارتجاعی و عقب مانده از ذهن زندان آن سالها برود. مدعی شده می‌خواستند ما زمان مجاهدین را در سال ۴۹ اصلاح کنند و به راه راست هدایت نمایند !! (جمهوری اسلامی ۲۶ مرداد ۵۹). لجن پراکنی علیه مجاهدین وسیع بوده‌های نا آگاه علیه آنان به شعار نماز جمعه هم کشید و "مرک بر نماز قفس" بدینا "الله - اکبر" یا رها نکراند.

نبروهای انقلابی تا درست ترین نهمتها را زد و آنان را به صفتی توصیف نمود که هرکس اندکی به او قیامت اجتمعا می آید که ما ندانیم فع طبقاتی چشم و رانسته با ندانند است بودن آنها را درک خواهد کرد.

اوسروهای انقلابی را که از آنها بیست علیه رژیم خویشوارا به ما زده کردند. بعنوان "کروها" که بعد از انقلاب مثل فارچ رو شدند و فیلانمانا تا جسی بود "خواند" و آنها را "مناح بیطرف انقلاب" "سر یا کشنده غافل" "خرمن سور" "سر داده کنسور" "دروغگو به مردم" "عامل آمریکا" "برهم زیننده کارخانه‌ها و کتا ورزی" و "دریا مت کشنده بول ارخانج" نامند!! او کارگران حق طلب کارخانجات را که هنوز رسر لایق سرما به داران جان می‌کنند منبهم کرده "بول می‌گیرند تا اعصاب گند" او افرادی خانه و می‌کنند را که دست به میا در برخی ارخاندهای سرما به داران زده و در آن سکوت کرده‌اند "غار نکر" و از ریشه همان رژیم سابق خوانند. آیت الله خمینی تمام اقدامات سرکوبگرانه، تمام اقدامات ضد میکرانک و جعلی و تخریبهای "انتخابات" های سال گذشته را که کمتر کسی جز حزب جمهوری اسلامی از آن رضایت دارد و آنرا محکوم نمی‌کند، درست و قابل شد خوانند. او جنبشی نبروهای انقلابی و مبتنی بر نظریه‌های حلق را که با اقدامات ارتجاعی رژیم مخالفتند، در کتا رافراد ی فرار داد که خدمتگزاران دربارا شده‌اند. آیت الله خمینی، نهادی غیر خلق ما را که در سالها میا به حقیقان منارزه انقلابی کردید و جان در راه آزادی خلقا خند "افرادی درد" نامند! او گفت:

"اگر یک دردی را کشند و زطایه شما بود، آتوبت نما می‌تواند انقلابی؟! (!!!)"

رأستی کدام توهین به خلقهای ستمدیده و مبارز ما و به انقلابیون شهید و جان سرکشان مردم، از این

در چند ماه گذشته هیئت حاکمه نبروهای خود را شدیداً علیه نبروهای انقلابی سیج کرده است. دامنه این حرکات کینه توزانه همه نبروهای انقلابی و عمدتاً کمونیستها را مورد هدف قرار داده اکنون مجاهدین خلق را بیش از پیش زیر ضربات خود گرفتار است. حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی که مبتکر حملات علیه مجاهدین بوده است پس از تظنق‌های بی‌بایی آیت الله خمینی و آیت الله منتظری و غیره و نیز از طریق عناصرا ارتجاعی وابسته به حزب، در مساجد و سخنرانیها، از طریق رادیو تلویزیون و روزنامه‌ها، به این حرکات ضد انقلابی خود شدت بیشتری بخشیده است.

سخنرانی آیت الله خمینی در چهارم تیرماه ۵۹ سر فصل تازه‌ای در حرکات رژیم علیه نبروهای کمونیست و مجاهدین خلق بود. در آن سخنرانی که مهمترین نکات آن را در سطور بعد، بطور خلاصه خواهیم آورد، آیت الله و اقیمت مبارزه مجاهدین خلق در دوران رژیم ما را تحریف کرده نهمتها را رواشی بر مبارزین جان برکفی که در آن سالها بی‌سایمان سازش تا پذیریا رژیم مزدورانه و اربابان امپریالیستش به مبارزه برخاستند نسبت داد.

قبیل از این ما همواره تا همدومتکسریهای خصمانه آیت الله علیه نبروهای جب بوده ایم اما در مورد مجاهدین، تا بحال اینجین صریح بر خورد نشده بود. این نتیجه جنتا بنا پذیرا و جکیری مبارزه طبقاتی و عزیز رژیم جمهوری اسلامی از حل مشکلات فراینده‌ها می‌باشد. اعلام مواضع آیت الله علیه منتظری، یک پیروزی بزرگ برای نبروهای انقلابی سازش‌نا پذیر و کلیه کارکنان و رزمندگان است. هم - چنانکه اعلام این مواضع، شکست سختی است برای کلیه سازشکاران و تسلیم طلبان، شکستی برای کسانی که می‌کوشیدند جهت منافع خود، زمین انقلاب و ضد انقلاب را محدود و تا زیند با اطلاع طلبی، وسط کمربار را گرفتند. بر خوردهای روبرو یونستی و فرار از مبارزه طبقاتی، جنبش خلق را در حد منافع طبقاتی خود مهار کنند.

رشد روز افزون جنبش انقلابی و جب، رهبران جمهوری اسلامی را که با مدار منافع زمینداران، سرمایه داران و تجار و دیگر اقشار رفاه‌گرا معوقا فظ فرهنگ ارتجاعی (از نوع ولایت فقیه) هستند بوجت انداخت. اما هیچک در گردستان، با لاکرنتس تا رما شپهای عمومی او و جکیری اختلاف و تفا‌دها می‌کسین جناحهای حاکم (حزب جمهوری اسلامی و جناح سنی صدر) بر سر جکونگی مقابلها با جنبش نوده‌ها وجود دارد و در اندرند سریع نبروهای کمونیستی و کمترین با یکا ندوده‌های نبروهای انقلابی دمکرات، حزب جمهوری اسلامی و بی‌تشیانان کاملاً آن، آیت الله خمینی را به یک جنبه بندی صریح در برابر جنبش خلق واد آیت.

آیت الله خمینی، در سخنرانی موردهت، یکبار دیگر از جناح ارتجاعی عقب مانده هیئت حاکمه (حزب جمهوری اسلامی) بیشترین نا شید و حمایت را بعمل آورد و مهمترین سپاه و می‌تسینگ را برای حملات آنسی بنا ندجما قدران و اوباشان حزب جمهوری اسلامی بدست آنان داد. آیت الله خمینی، در حالیکه - در آروزها - اختلاف بین دو جناح هیئت حاکمه اوج گرفته و انفصاح بزرگ "حزب جمهوری اسلامی در نوا آیت، به مسئله

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

رزمندگان و مسئله رویزیونیسیم و سوسیال امپریالیسم شوروی - ۳ -

گرفتن از همه آنها نتراست. (۴)

در شوروی سوسیالیستی در درون حزب بلشویک مبارزه بین خط مشی پرولتری و نظرات و مشی بورژوازی در عرصه های مختلف بیوسته در جریان بوده است و بلاخره در شرایط خاصی رویزیونیستها در درون حزب قدرت گرفته پس از مگر رفیق استالین و پس از یک دوره کشمکش و مبارزه ها در درونی سرانجام بر حزب کاملاً مسلط گشته و قدرت سیاسی را به تصرف درمی آورند. رویزیونیستها ی خروشنفی "دژرا" درون "متصرف می - شوند، حزب و دیکتاتوری پرولتاریا را تغییر می دهند و آنها را به ابرارسات طبقاتی بورژوازی نوین تبدیل می نمایند.

تفسیر و تحولات مدا انقلابی و بورژوازی در روسیا ی

احیا سرمایه داری و واقعیت امروز شوروی است

هما نظور که میدانیم جامعه سوسیالیستی جا معه ای طبقاتی است و در آن مبارزه طبقاتی بیوسته در جریان دارد. در این جا معه نیروهای رزیدنا بنده (عنصر سوسیالیستی و در عین حال مسلط) و نیروهای میرنده (عنصر بورژوازی بطور مغلوب) در حال جدال مستمر با یکدیگرند در این جا معه براساس واقعیت طبقاتی موجود و خط مشی طبقاتی یعنی خط پرولتاریا با برقراری کامل سوسیالیسم و خط بورژوازی با زکشت سرمایه داری در حال مبارزه با یکدیگرند. بقول لنین جامعه سوسیالیستی "دوران کاملی پراز تضادات شدید طبقاتی میباشد. (۱)

- رد تز سوسیال امپریالیسم شوروی از جانب رزمندگان نه تنها ناشی از تزلزل رویزیونیستی آنان می باشد، بلکه همچنین از نگرشی اکونومیستی و آکادمیستی ماه می گیرد.
- رویزیونیسم بیان سیاسی - ایدئولوژیک کوشش بورژوازی در استقرار مجدد قدرت سیاسی بورژوازی میباشد.
- رویزیونیسم یک خط مشی طبقاتی است که در پی احیا سرمایه داری می باشد و رویزیونیستها حاملین خط مشی بورژوا - رویزیونیستی بوده و می کوشند در جهت تحقق اهداف طبقاتی خود یعنی احیا سرمایه داری، قدرت سیاسی را بدست گیرند.

جامعه شوروی نمیتوانست تا ثیرات قاطع و تعیین کننده ای بر زیربنای جامعه بگذارد. بدینا ل غلبه و استقرار رویزیونیسم در شوروی، حزب بلشویک تغییر ماهیت داده و به یک حزب بورژوا - رویزیونیستی کامل تبدیل شده و دیکتاتوری پرولتاریا را نابود کرده و دیکتاتوری طبقاتی بورژوازی برپا میگردد. همانطور که لنین با رها متذکر شده بود ما لکیت و اقتصاد سوسیالیستی بدون دیکتاتوری پرولتاریا معنا نمی نخواست و سیاست تولیدی اجتماعی سوسیالیستی بدون حاکمیت طبقه کارگر هرگز امکان وجود ندارد بنا بر این در شوروی نیز تحولات بورژوازی در روسیا منجر به تحولات در زیربنای گردیده و طی یک روند دیا لکتیک، سرمایه داری مستقر شده و شوروی به کشوری سوسیال امپریالیستی تبدیل منگردد.

حال آیا نظام سیاسی - اقتصادی موجود در شوروی جز سرمایه داری، چیز دیگری میتواند باشد؟ همانطور که ما رکنس بارها متذکر شده است ویژگی اساسی نظام تولید سرمایه داری جدائی و انفعال تولیدکنندگان مستقیم طبقه کارگر از ابزار تولید میباشد. در این نظام پرولتاریا ما حجاب از تولید نمیشد، بلکه طبقه و دولت طبقاتی حاکم ما حجاب از تولید است. این بدیده دقیقاً همان چیزی است که در شوروی بوقوع میبویسد، یعنی شوروازی سون (با رویزیو - نیستها) قدرت سیاسی را تصرف کرده و ما لکیت دولتی بر از تولید را به ما لکیت دولتی بورژوازی انحصاری تبدیل می نماید. در جامعه سرمایه داری شوروازی ما حجاب از تولید بوده و در نتیجه ما حجاب تولید طبقه

و تا این دوران بنیایان نه زنده است استثمارگران مسلماً امیدها حیا را در زیر میپروانند، امیدوارند که به تلاتی در راه احیا (سرمایه داری) میبناوند (۲) و بهمین خاطر لنین بر آن بود که دیکتاتوری پرولتاریا "نه تنها برای پرولتاریا بلکه برای کل دوران کارنگون کرده است ضرورت دارد بلکه برای کل دوران کار مصل تاریخی نیز لازم است و آن دورانی است که سرمایه - داری را از (جامعه بدون طبقات) یعنی از کمونیسم جدا میکند". (۳)

به بیان دیگر در تمام طول جامعه سوسیالیستی از آنجا که ما رزه طبقاتی وجود دارد امکان بازگشت و احیا سرمایه داری نیز موجود است. در این جامعه طبقاتی نیروهای بورژوازی خواهند کوشید تا قدرت از دست رفته را دوباره بچنگ آورند و سرمایه داری را مستقر سازند. رویزیونیسم بیان سیاسی - ایدئولوژیک کوشش بورژوازی در استقرار مجدد قدرت سیاسی بورژوازی میباشد. رویزیونیسم یک خط مشی طبقاتی است که در پی احیا سرمایه داری میباشد و رویزیونیستها حاملین خط مشی بورژوا - رویزیونیستی بوده و می کوشند در جهت تحقق اهداف طبقاتی خود یعنی احیا سرمایه داری قدرت سیاسی را بدست گیرند. در دوران دیکتاتوری پرولتاریا، آنجا که ما معه هنوز یک ما حجاب طبقه نیسی است افکار روگرایات بورژوازی در حزب طبقه کارگر انعکاس یافته و رهبران راه سرمایه داری یعنی اپورتونیستها و رویزیونیستها بطور مداوم در درون حزب پدیدار میشوند و بقول استالین رویزیونیستها بیکوشند از درون، قدرت را بدست گیرند زیرا "دژرا از درون

هما نظور که در قبیل نوشتیم رفقای رزمندگان با طرح این مسئله که "پاسخ دقیق و علمی در مورد تزلزل سوسیال امپریالیسم وجود ندارد، به در این تزلزل رزمندگان رسید و بدین ترتیب تزلزل رویزیونیستی خود را در مقابل رویزیونیسم آشکار میسازد. و ما می گوئیم تزلزل در مقابل رویزیونیسم، زیرا تزلزل در برابر سوسیال امپریالیسم شوروی ریشه در تزلزل در مقابل رویزیونیسم دارد. ما سفا نه با بدیگوئیم که تزلزل این رفقا تا بدان حد است که قبول "تز سوسیال امپریالیسم را از زمره اصول جنبش کمونیستی "تمیذا ننند (رزمندگان - ۱۱ فروردین ۵۹) و علاوه بر این تزلزل ما رکنیستی را به ما بیکی از اصول طبیف پیگیر جنبش کمونیستی ایران بحساب نمی آورند" (هما نجا)

علاوه بر آن در گذشته مطرح نمودیم که در تز سوسیال امپریالیسم شوروی از جانب رزمندگان نه تنها ناشی از تزلزل رویزیونیستی آنان میباشد، بلکه همچنین از نگرشی اکونومیستی و آکادمیستی ما به میگردد، زیرا این رفقا قبل از آنکه ما دربار شند تا تحولات رو - بنیاتی ناشی از استقرار رویزیونیسم را بطور صحیح و پرولتری توضیح داده و بدینا ل آن تا شرمستقیم آتزا در زیربنای جامعه بررسی نمایند، از اقتصاد شروع نمیکند و بلافاصله نتیجه میگیرند اقتصاد شوروی امپریالیستی تمیذا شد (؟)

حال با بدیبنیمت یعنی ساخت امپریالیستی شوروی از جانب رزمندگان متکی بر یک ما مدرک و استنباط می - باشد. منظر ما نفی ساخت امپریالیستی اقتصاد شوروی مبتوا ندر بیکی از موا استنباط انحرافی و غیر - ما رکنیستی زیرا ستوارها شد: با این رفقا معتقد به این مسئله هستند که رویزیونیسم یک جریان ایدئولوژیک خرده بورژوازی بوده و بنا بر این حاکمیت این جریان به بیکی سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا انجامیده است و بدینا ل آن در شوروی یک نظام اجتماعی - اقتصادی خرده بورژوازی استقرار یافته است که در چنین مورتی بطور روشن میتوان استدلال ساخت که این دیدگاهها تعدد درک پرولتری از ماهیت رویزیونیسم و مقام و موقعیت خرده بورژوازی در عصر امپریالیسم میباشد. در صورت وجود چنین دیدگاهها انحرافی باشد گفت که این دیدگاهها سرمایه ست و اقتصاد مستقل خرده - بورژوازی در این دوران معتقد بوده و در حقیقت "راه سوم" را ممکن میداند.

و با این رفقا معتقد به این امر میباشد که در شوروی بدینا ل از زمین رفتن سوسیالیسم، نظام اجتماعی - اقتصادی نوینی ظهور پیدا کرده است که این نظام جزوا شکل پنجگانه نظامهای اساسی تولیدی نمیشد. این دیدگاهها که انطباق خاصی با نظرات اقتصاددانان آمریکا ش "پیل سوشی" را دربرآست که در شوروی استشارت را لیب است و طبقه و دولت حاکم، استثمار می نمایند، لیکن نمیتوان گفت که در شوروی شوروازی حاکم بوده و سرمایه داری نظام مسلط را تشکیل میدهد.

بنظر ما این دیدگاهها نیز فاقد یک مدرک علمی از تحولات در شوروی بوده و دیدگاهها غیر ما رکنیستی و رویزیونیستی میباشد. ما قبل از آنکه به نقد مستقیم این دیدگاهها بپردازیم در چند کلمه واقعیت یعنی موجود در شوروی را توضیح میدهم.

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

صاحب‌درد می‌آید. بنا بر این دولت شوروی دولتی
بورژوازی بوده و بنا بر این اساس این مابیت دولتی
استثمارگرگرنیم‌بنا شده. ولی پرواضح است که این دولت
بلحاظ نقشی که در دفاع از طبقه بورژوا-امپریالیست
حاکم و اقتصادا میربالیستی مسلط دارد. یک دولت
امپریالیستی و با به بیان دیگر یک دولت سوسیال
امپریالیستی می‌باشد.
بعلاوه در جامعه سوسیالیستی مالکیت سوسیالیستی
بدون دیکتاتوری پرولتاریا معنا نمی‌خواهد داشت.

- دولت شوروی یک دولت استعماری است، اما دولت بورژوازی نیز می‌باشد. هر دو استعماری لزوماً یک دولت بورژوازی نمی‌باشد. حال آنکه در شوروی حزب و دولت حاکم ارگان سیادت طبقاتی بورژوازی توین می‌باشند.
 - اساساً مقوله مالکیت پدید آمده مجرد و آستره نمی‌باشد، از نظر مارکسیستی رابطه مستقیمی بین مناسبات اجتماعی حاکم و مالکیت مسلط برقرار می‌باشد.
- دیدگاهی که مابیت بورژوازی و سرمایه دارانه اقتصاد شوروی را نمی‌کند نه تنها تزلزل خود را در برابر رویزونیسم بنیانی می‌گذارد، بلکه همچنین درک محدود و انحرافی خود را از تغییر و تحولات طبقاتی در شوروی عریان می‌سازد.

نظام تولیدی جدید!؟

با توجه به کل توضیحات فوق عمق دیدگاه انحرافی
- ای که معتقد است در شوروی دولت و طبقه استعماری
وجود دارد اما سرمایه‌داری و بورژوازی حاکم نمی‌باشد،
آنکا ر می‌شود. یکی از نمایندگان این دیدگاه -
مارکسیستی "یل سوشی" است که در میان برخی گروه -
های چپ ایران نیز مدافعیتی دارد. این دیدگاه
گذشته از آنکه مابیت طبقاتی رویزونیسم را درک
نمی‌کند، مابیت طبقاتی دولت را نیز نمی‌فهمد
این دیدگاه از آنجا که نمی‌داند مابیت تغییر و تحولات
رویزونیستی را درک کند و اساساً نحوه دولت را بر این
یا به زبانی نمادین و بی‌ساخت کمونیستی ارائه دهد، در
تعیین مابیت طبقاتی دولت به انحراف درمی‌غلتد.
این دیدگاه از آنجا که نمی‌داند مابیت بورژوازی
تغییرات روسی را درک کند، حاکمیت بورژوازی
نویس را نمی‌فهمد، این دیدگاه از آنجا که
حاکمیت بورژوازی نویس را نمی‌فهمد، نمی‌داند
مابیت تحولات زیربنایی و اقتصادی جامعه شوروی را
درک نماید. آری در یک کلام این دیدگاه از آنجا که درک
برولسری از مابیت بورژوازی رویزونیسم -
نمی‌داند از تحولات بورژوازی در غرض سرسبالی
اقتصادی درک درستی داشته‌اند. آیا زمین‌دکان نیز
دارای چنین دیدگاهی است؟

اساساً مقوله مالکیت پدید آمده مجرد و آستره نمی‌باشد
از نظر مارکسیستی رابطه مستقیمی بین مناسبات
اجتماعی حاکم و مالکیت مسلط برقرار می‌باشد. ما رکن
در "فرفلسفه" می‌نویسند:
"مالکیت در دوران تاریخی بنوعی دیگر و تحت
مناسبات اجتماعی کاملاً مختلفی تکامل یافته
است. به این ترتیب تعریف مالکیت بورژوازی
جزی جزیان مناسبات اجتماعی تولید بورژوازی
نمی‌باشد. اگر بخواهیم برای مالکیت بنسبوان
مناسبات مستقل، مقوله‌ای خاص، ایده‌ای آستره
(انتزاعی) و ابی تعریفی ارائه بدهیم، این
اگر نمی‌تواند چیزی جز یک خیال‌بافی مافیزیک
و با تعریف فکالی باشد."
آنچه که جوهر کلام را رکن را تشکیل می‌دهد اینست که
رابطه میان مالک و دیا لکتیکی بین مناسبات اجتماعی
موجود و مالکیت برقرار است. و دقیقاً همین آستوز
مارکسیستی ما را در تحلیل تحولات شوروی یاری می -
رساند. حاکمیت بورژوازی در این کشور مسلط شدن
مناسبات اجتماعی بورژوازی در آن رابطه متقابل و
دیا لکتیکی با مقوله مالکیت و اقتصاد بوجود آورده و
مابیت بورژوازی مالکیت و اقتصاد شوروی را مشخص
می‌گرداند. بنا بر این اقتصاد شوروی هم‌لحاظ قوانین
حاکم بر آن و هم‌لحاظ مناسبات اجتماعی طبقاتی حاکم
یک اقتصاد امپریالیستی می‌باشد.

کارگر را متصرف می‌کند. این طبقه سرمایه‌کار مزدوری
پرولتاریا را استثمار می‌کند و ارزش اضافی را از آن خود
می‌سازد و بنا بر این طبقه‌ای استثمارگر می‌باشد. در
شوروی نیز بورژوازی نویس (از طریق مالکیت دولتی)
صاحب ابزار تولید بوده و در نتیجه حاصل تولید را به
تصرف درمی‌آورد. آری، آنچه در شوروی حاکم است نظام
مزدوری است چرا که طبقه کارگر از ابزار تولید جدا
نشد و نیروی کار به کالات تبدیل گشته است، چرا که نیروی
کار به سرمایه‌فروشی رفته و رابطه کار مزدوری حاکم
است (۵). این مشخصات دقیقاً از مشخصات نظام
سرمایه‌داری می‌باشند، ما رکن در نوشته خود "گروندریس
(GRUNDRIS)" به آنها اشاره می‌کنیم که رکن "به فروشی
کار به سرمایه و منتیجتها به نکل کار مزدوری یعنی
پدیده‌ای خارج از تولید سرمایه‌داری می‌گیرند" (تا کد
از ماست) (۶) اتفاقاً در گذشته و تا کد مینمود که مشخصه
اساسی نظام سرمایه‌داری همان جدائی تولیدکنندگان
مستقیم از ابزار تولید و نظام کار مزدوری می‌باشد.

به این ترتیب با توجه به قوانین اقتصاد سیاسی
و با توجه به واقعیت عینی موجود در شوروی شیوه تولیدی
حاکم در این کشور سرمایه‌داری بوده و طبقه حاکم نیز
طبقه بورژوازی می‌باشد. این واقعیت عینی را هیچ
کمونیست بیگیری نمی‌تواند نفی کند. نفی این
واقعیت عینی فقط به بورژوازی خدمت می‌کند. واقعیت
سرمایه‌داری شوروی آنچنان عیان است که فقط یک
ذهن آلوده به رویزونیسم و با عقبات ده‌ها واقعیت
عینی می‌تواند آنرا نفی کند. برای اینکه این واقعیت
با زهم عیان نشود به طلب دیگری اشاره می‌کنیم. می -
دانیم که سود موتور محرکه اقتصاد سرمایه‌داری می‌باشد.
حال اگر ما به نقش سود در اقتصاد شوروی بعنوان معیار
اطلی فعالیتها صنعتی و تولیدی، سوزن ازر فرم
اقتصادی ۱۹۶۵ نگاه کنیم، خلعت سرمایه‌دانه شیوه
تولیدی حاکم بر شوروی روشنتر می‌گردد. در سیتا مسر
۱۹۶۵ الکسی کا سیگین نخست وزیر رویزونیست شوروی
در ادامه مسایلتها ی بورژوازی خویج "مجموعه کالمی
از تدا بیره منظور افزایش استقلال اقتصادی و ابتکار
عمل بنکاها و شرکتها و افزایش اهمیت بنکاها به
عمده ترین واحدا اقتصادی در اقتصاد شوروی پیشنهاد
می‌نماید. این پیشنهاد از اجابت کمیته مرکزی
حزب رویزونیست شوروی به رهبری برژنف مردندناشد
و بطور رسمی اعلام می‌شود. از جمله مشخصات این خط مشی
اقتصادی چنین بود:

"منظور افزایش انگیزه اقتصادی بنکاها،
بیشتر شدن سود و زعمادنا خصای تعیین شده
از بالا (توسط ارکانهای برنامهریزی) کاسته
شود" و "منظور هدایت بنکاها در جهت ارتقا سطح
کارآئی، مملکت این است که از خاص سود
ناخس سودآوری استفاده شود. زیرا میزان سودنا
حدزیای نما شکر سهمی است که یک بنکا در
رابطه با درآمد خالص کشور می‌پردازد." (بتریه
ایروستیا، شماره ۲۷، سیتا مسر ۱۹۶۵)
بدین ترتیب روشن می‌گردد که با طرح استقلال
بنکاها برنامهریزی دولتی نفی گردیده و سهمرا
آن سودسوزوری بعنوان ناخس و نیروی محرکه
اقتصاد شوروی بر اقتصاد این کشور حاکم می‌شود.

- (۱) - لنین: "انقلاب سوسیالیستی و حق ملل در تعیین سرنوشت خویش"
- (۲) - لنین: "انقلاب پرولتری و کاتونکی مرتد"
- (۳) - لنین: "دولت و انقلاب"
- (۴) - "تاریخچه حزب بلشویک"
- (۵) - "مادرمورداخت اقتصادی - اجتماعی شوروی در مقالات آینده با تفصیل بیشتر سخن خواهیم گفت."

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

موضوعگیری انقلابی در برابر هیئت حاکمه و سخنی مکرر با مجاهدین خلق

با زشکارانه و ممانعت‌ها و با رژیم، تحت بهانه بوج وی با بهای چون "میخواهم به توده‌ها نشان دهم که رژیم خود به قانون خویش ملتزم نیست و بدین ترتیب رژیم را افشا کنیم" و یا "میخواهم نشان دهم که رژیم در گفتار و کردار خود صادق نیست" و... سیاست و عمل -

با بهانه دست راستان و جوانان و خائنان و خائنی از هواداران آن که توسط او یا نشان حزب جمهوری اسلامی در آمل صورت گرفته است با زهم، این بیست لیبرالی و توهم آمیز خود را متبلور ساخته و بر او زمین ریخته: "مجاهدین خلق ایران همواره خود را ملتزم و مقید

● آیا هنوز شما (رهبری مجاهدین خلق) در نیافتن ایده که کوشش شما برای حفظ فایده با کمونیست‌ها (در حالی که بسیاری هواداران شما در عمل با آنها همکاری میکنند) و عدم توجه به مودرم و رزیدنی بی توجهی به مسائل و زت انقلابی کارگران، دهقانان و خلقها و پافشاریتان برای نشان دادن این مزبندی‌ها به رژیم، نتوانسته و هرگز نمیتواند شما را از حملات، افترا و تات و... ارتجاع مصون نگاه دارد؟

کرد فرمیستی و ممالجه‌ها به خود را توجیه و تئیسین کنید. زیرا که بسیاری از توده‌های خلق و از جمله بسیاری از توده‌های هواداران مجاهدین خلق در خلال زندگی روزمره خود بدلیل کردار و رفتار رژیم حاکم بخوبی در نیافتن آنکه این رژیم حاکم با آنها نیست دلش برای آنها نمی‌سوزد و برای آنها قانون وضع نکرده است بلکه دشمن طبقاتی آنهاست، پشتیبان سرمایه - داران است و حامی سرکشت نظام سرمایه‌دار است و وابسته می‌باشد و همین جهت هم فوج فوج آن روی برمی - سازد (امری که رژیم را به هر سانداخته است) و اکثریت بسمت نیروهای انقلابی روی می‌آورند. اما توده‌های شما غافلانه اندک در رژیم آنها نیست، خمینی فردی مافوق طبقاتی نیست، قانون اساسی بی‌انگرمنافع زحمتکشان نیست و... ولی شما از آنجا که چشمه توده‌ها ندارید و به بالا نظردوخته ادویا اگر توده‌ها هم در محاسبات سیاسی شما جایش داشته باشد عقب مانده ترین آنها می‌باشند، (و این یعنی کیفیت را فدای کمیت کردن خود یک عیب بزرگ و اساسی می‌باشد) شما با زهم بر این سیاست عقب مانده خود اصرار می‌ورزید. شما انرا نمی - کنید که باید بگذرد و فقط بگذرد - از توده‌ها جلو بسود و آنها را به جلو تر رهنمون شد ولی در عمل دهها قدم و بلکه صد ها هزارا قدم از توده‌های آگاه خلق عقب هستید و در همین حال با سیاستهای سازشکارانه خود ما بی سبب و بی اساسی سیاستهای سازشکارانه که شما خود را از دشمن ارتجاع کسار کنید و بی‌زعم خود در فرصت مناسب بطرف قدرت خیز بردارید؟ آیا، حداقل عملگر چند ما هه اخیر هست که شما تا موخته است که ارتجاع به شما کمک شما در مقابل خود کند؟ می‌کند بلکه خواهان تسلیم بلا شرط و تبدیل شدن شما به ابزار دست خود می‌باشد. آیا این بیان ما که "ارتجاع... می‌کوشد تا شما را به ماش و به دست کشیدن از ما رزانه انقلابی خود برای همیشه در غلظیدن به آغوش ارتجاع فرا خواند. شما جناحهای رژیم در سطوح مختلف از ما ندر حزب جمهوری اسلامی، تا با بدین صدر و خمینی و... آواز خوان این از اکثریت سرکوب و شاهماند (۲)

به رعایت قوانین جمهوری اسلامی دانسته و ستان زمانی که حساب و کتاب قانونی در کار نیست، از این رویه دست نخواهند داشت." چه "حساب و کتاب و قانونی؟ چرا به خود توده‌ها دروغ می‌گوئید؟ چرا بصورت ماضی در مقابل ریزش توهم توده‌ها عمل می‌کنید؟ چرا به افشای ما هیئت قانون اساسی نمی‌پردازید؟ چرا واقعیت قانون و قانونگذاری را از طرف بورژوازی و طبقات استثماری برای توده‌های خلق و هواداران مبارز خلق افشا نمی‌کنید؟ مگر شما خود در نامه به رهبرین مجلس نمی‌گوئید که: "... حمله و هجوم سزاگوشی علیه "مجاهدین خلق ایران" به نحوی سابقه‌ای افزایش یافته است... به حدی که به جرات میتوان گفت که در نظام طاغوتی پیشین و در زیر سیطره‌ی سواک آریا مهری نیز هرگز و در هیچ شرایطی ما این چنین زیر رگسار نهمت و افترا نبوده ایم." پس چرا هنوز بر این می‌کنید که "تا زمانی که حساب و کتاب قانونی در کار نیست؟ کدام حساب؟ و کدام کتاب؟ قانون؟ یا حساب و کتاب؟ بورژوازی را می - گوئید؟ شما که خود را با آن درخت می‌بینید، شما که رسالت خود را مبارزه با بورژوازی میدانید، پس چرا اینقدر خاک به چشم توده‌های ما پاشید، و با مقدس جلوه دادن قانون ظالم ما به بورژوازی از ریزش توهم آنها جلوگیری می‌کنید؟ آیا جز این است که ما هیئت منزلزل و پیشش سازشکارانه و فرمیستی شما این توان را از شما سلب کرده است که به عمق ما هیئت استثماری رگرا نده و خبا ننگارانه بورژوازی و لاجرم قانون دست بخت او پی ببرید؟ آیا جز این است که شما (رهبری مجاهدین) بجای انکاء به توده‌های مبارز خود به بالا به آنجا که تضادهای مدخلی بین جناحهای در قدرت جریان دارد چشم دوخته‌اید؟ آیا جز این است که شما در عوض دقت در تضاد بین توده‌های زحمتکش خلق و رژیم ضد خلقی حاکم و بهره‌جویی از آن در جهت منافع خلق، جوانان و نیروی خود را بر تضاد بین دنیروی تاج و زرگرو استثماری متمرکز کرده و انتظار بهره‌جویی از این تضاد به نفع خود دارید؟ اگر اینها نیست پس چیست؟ شما نمی‌توانید سیاستی

ادامه از شماره قبل
مجاهدین خطا به رهبرین مجلس، یعنی ما شمی رفسنجانی که خود یکی از سردمداران حزب جمهوری اسلامی می - باشد و در کلیه سیاستهای خائنانانه و ضد انقلابی بر علیه خلق، در مقام عضو شورای انقلاب، وزیر کشور و کنسول رئیس مجلس، دخیل بوده است و دستش همراه با دیگر رهبران حزب جمهوری اسلامی تا مرفق به خون توده - های زحمتکش و انقلابیون و از جمله مجاهدین آغشته است، در نامه‌ای که مشحون از نذبه و زاری است و روح حاکم بر آن همان روح سازشکارانه و مظلوم‌نما یا نسه است از چنین شخصی دادخواهی میکنند. آنها در مقام شکت به رهبرین مجلس می‌گویند:

"... شما در این قوه مقننه کشور، بهتر می‌دانید که قانون اساسی به صراحت تمام مکرر حق فعالیت آزاد سیاسی گروهها و احزاب را به رسمیت شناخته است. همچنین میدانید که ما به گواهی تمام شواهد مدارک و عملکردهای که در هر محکمه‌ای قانونی قابل طرح و رسیدگی است، طی تمام دوران بعد از انقلاب سوزنی نیز از التزام به قانون تاج و زنگرده ایم، لکن با کمال تحسب و تاسف هر روز فشارهای سیاسی و نظامی و حتی اداری اقتصادی بر "مجاهدین خلق ایران" و هواداران شما در سراسر کشور فرونی می‌باشد. چنانکه گوئی بر حسب یک قانون تاریخی تا نوشته، خون و مال و حیثیت ما هیچ حریمی نداشته و هواداران ما نیز از هرگونه امنیت نسبی و قضائی و مالی نیز محرومند." (با کیدات از ما است.)

وقتی شما نمی‌خواهید بدانند و نتوانند که بدانند بورژوازی و کلیه طبقات استثماری بر ما هیئت تاج و زرگرا نشان هرنوع جناحی را روا میدارند و این جزو قانونی است که خط درشت و بسیار خوانا بیستایی بورژوازی و دیگر طبقات استثماری نگاشته شده است و هرگز تا مرثی و نا نوشته "نیست بسیار طبیعی است که از "نقض قانون" توسط بورژوازی توسط ارتجاع حاکم دچار "تعجب و تاسف" شوید و با زهم خود را ملتزم به رعایت قانون بورژوازی که خود ملتزم به آن نیست بدانید. شما در همین نامه به رهبرین مجلس چندین بار از احترام - تان به قانون اساسی و التزامتان برای رعایت آن سخن گفته‌اید و از جمله بیان داشته‌اید که:

"مجاهدین خلق ایران به زهم هرگونه نقادی هم که به قانون اساسی موجود داشته‌باشند، در عمل به کلیه ضوابط آن تا هر حدی که رسمیت داشته باشد ملتزم بوده و با زهم هستند." در حالی که میدانید و می‌دانید که خود قانون گذار - ان هیچ التزامی بدان ندارند و به هیچ وجه خود را مقید به رعایت آن نمی‌کنند. زیرا این یک مسأله بدیهی است که قانونی که بی‌سبب و بی‌طاعت استثماری وضع میشود برای به بند کشیدن زحمتکشان و نیروهای روبرو شدات و از نظر طبقات استثماری زحمتکشان هستند که با بدموالین قانون را محترم شمرده و رعایت نمی‌کنند و الا خود و انواع قانون بهیچ وجه محترم نیست خود را در چارچوب سنگ و محدود قانون محصور کند. این مسأله - ای است آنقدر آشکارا و آنقدر بارز و بدیهی که دیگر نیازی به استدلال و آرا شاهانه و ویرانه‌ها نیست. هرگز و در هیچ کجا دیده نشده است که طبقات استثماری رگرا واضع قانون خود به قانون مخلوق خویش عمل کرده باشند تا بر این "تعجب و تاسف" شما کمالا بی‌سود است و این فقط توهم شما نسبت به ارتجاع حاکم و ما هیئت طبقاتی منزلزل شما را می‌رساند. شما در رابطه

با تجدیدنظر در ارزیابی نا درستان نسبت به هیات
حا که (کاه) آنها را "ملی" و درجه خلع ارزیابی می-
کردید (ووقوف و آگاهی برما هیئت فدائینقلابی و ارتجاعی
آن در کلیت خویش و کلیه جناح‌های رنگارنگ آن،
- بانگ بر مبارزه طبقاتی و انقلابی توده‌ها در اساس سیاست
خود و چشم‌برگرفتن از نفاذهای درونی هیات حا که
و طرفدار سیاست رفیرمیستی تکیه بر یک جناح بر علیه
جناح دیگر و "استفاده" از این نفاذها در گسترش
مبارزه انقلابی خلق بر علیه کل رژیم‌ها کمونست‌ها

بیش گرفته‌اید با فشاری و تا کیدکنید. اگر هنوز مصر
هستید که فاصله خود را علیه ضروریات مبارزه طبقاتی
و شرایط عینی جا معما ز کمونستیهای راستین همچنان
حفظ کنید و حتی آنرا افزایش دهید. اگر هنوز ترجیح
میدهد بجای در میان گذاشتن مشکلات و معضلات خود
با توده‌های خلق و قبل از آن با توده‌های سازمانی و
طرفداران آن همچنان چشم‌کمک به امثال بنی‌صدر و
"مقامات مسئول" بدوید. اگر هنوز از مبارزه طبقاتی
جاری درجا معما و عمل‌کردن انقلاب و فدا انقلاب درس نگرفته

هنوز برای شما محرز نگشته است؟ آیا هنوز شما
(رهبری مجاهدین خلق) در نسبتا فته‌اید که کوشش برای
حفظ فاصله با کمونستیها (در حالیکه بسیاری هواداران
- تا در عمل با آنها همگامی میکنند) و عدم توجه
لازم و درمورد مبارزه با بی‌توجهی به مبارزات انقلابی
کارگران، دهقانان و خلقها و با فشار بر این نشان
دادن این مرزبندیها به رژیم، نتوانسته و هرگز نمی-
تواند شما را از اجملات، افتراهای و... ارتجاع مومن نگهدارد
آیا شما خود در عمل تجربه نگردید که علیه رژیم سیاست به
غایت سازشکارانه و اپورتونیستی تا در قبال جنبش
خلق قهرمان کرد و محکوم کردن و چپ‌نما خسوا ن شدن
کمونستیهای جان برکمی که خون خود را در خطه کردستان
در راه احقاق حقوق خلق کرد و مبارزه بر علیه امپریالیسم
ا هدا می نمودند، جناح بنی‌صدر و مغرب (همان جناحی
از حکومت که شما نزدیکش شدید) در روزنامه‌های
"عملیات خرابکارانه" شما در کردستان "برده" - سر
داشت؟ آیا هنوز و بعد از اینکه تعداد زیادی از مبارزان
را در هجوم ارتجاع در شهرهای مختلف از دست دادید و
بسیاری از فدائیان اشغال شد و مقدار زیادی از
اموالشان بسرقت رفت انحرافی بودن و نادرست بودن
تئوری "عدم تشنج" تا بر شما روشن نگشته است؟ آیا
سیاست ممالحه شما مانع از آن گشت که تهمت داخل
در کردستان به سازمان مجاهدین زده شود؟ آیا هنوز مصر
هستید که برای قانونیت بخشیدن به خود دست بردار
بنی‌صدر و ارگانهای حزب شوید؟ آیا هنوز برای اثبات
مشروعیت خود از لیبرال‌های چون گلزاده غفوری
و توانا شایان فردا ستم‌آمیز می‌جوئید؟ و اقما چقدر تاسف
آورد در ناگه است که ما زمانی همچون مجاهدین خلق
با آن پیشینه مبارزاتی، اکنون دست بدامن لیبرال‌های
مانند گلزاده غفوری و توانا شایان فردا می‌شود و از آنها
جواز مشروعیت می‌گیرید. آیا تا شیدا نبوده‌های بی-
احساس و مبارزان که فعلا لانه و شبانه روز شما را با ری
میدهند و از بدیل هیچ چیز و حتی جان خود دریغ ندارند
(همانطور که در عمل تاکنون نشان داده‌اند) برای شما
ارزش و ملاحظیت لازم‌تر اندا رده که به لیبرال‌های فوق‌الذکر
و بدتر از آن به رژیم متوسل می‌شوید؟ آیا قرار بر اینست
که هر چه بیشتر مورد حق، تهمت، افترا، حمله، قتل و
کشتار واقع شود بیشتر تمکین کنید و بیشتر از سیاست
پوشالی و محکوم به شکست مظلوم‌نما می‌پیروی کنید؟
چرا از تاریخ درس نمی‌گیرید؟ چرا از کار تجربیات
روزمره چشم‌پوشه می‌گردید؟ چرا از اعمال دشمن در قبال
خود و دیگر نیروهای انقلابی پند نمی‌آموزید؟ آیا هنوز
بنایتان بر این است که سرگشته و حیران - همانطور که
تاکنون بوده‌است - منتظر ا لظافا مام و ا قدامات
بنی‌صدر باشید؟ آیا هنوز دست شما بر این را در پیش
بنی‌صدر شما به شما پند و منتخه مردم را می‌کنید و
اورا دادخواه خود قرار میدید؟ آیا هنوز چهره موزرانه
این بورژوا رفیرمیست عوا مغرب بر شما (رهبران
مجا ه دین) روشن نگشته است؟ و آیا هنوز قصد دارید بر
این سیاستهای انحرافی که کلا ملامت بر علیه شما فسخ
انقلاب و انقلابیون و بر له منافع رژیم جمهوری اسلامی
است با فشاری کنید؟ آیا هنوز بجای بیان واقعیات
به توده‌های خلق و هواداران بر احساس و مبارزه خود و انکاسا
بدانها مصر هستید که ا لظافا "بالائیها" تا مل جالتان
نود؟ آیا... اگر هنوز معذبه که با بیستی بر سیاستی که تاکنون

● **مجا ه دین می گویند: "گوشی بر حسب یک قانون نا مرثی نا نوشته خون و مال
و حیثیت ما هیچ حریمی ندارد... در صورتیکه بورژوازی و کلیه طبقات
استثما رگربنا بر ما هیئت استثما رگرا نه‌شان هر نوع جنابیتی را روا میدارند
و این جزو قانونی است که با خط درشت و بسیار خوانا بر پیشانی بورژوازی
و دیگر طبقات استثما رگرنوشته شده و هرگز "نا مرثی و نا نوشته" نیست .**

بر ما به‌داری وابسته .
- با کشیدن مرزدقیق میان جنبه انقلاب و فدا انقلاب و
زدودن برده توهم نسبت به نیروهای که بر ما کارانه
خود را درجه انقلاب جا میزنند .
- با افشا و طرفداری از ره‌با دوستان دروغبندی چون بنی
- صدروا بر لیبرال‌ها و... که چهره دمکرات نما می
بخود گرفته‌اند و با فتن دوستان واقعی خود در
میان توده‌ها و نیروهای انقلابی دیگر بسوی
انقلابیون کمونست یعنی کسانی که بیگیرترین
نیروی فدا میریالیست و انقلابی درجا معما اند .
- با زدودن ملاحظات غیر انقلابی و دیپلماتیک در توضیح
دوستان و دشمنان انقلاب و توضیح رابطه و ا قسیمی
خودتان با انقلابیون کمونست .
- و با لاخره با زکشت به خط مضمی مقاومت انقلابی .
خط مضمی شرکت فعال در مبارزه طبقاتی توده‌ها و
مبارزه دمکراتیک - فدا میریالیستی آنها بر علیه
رژیم کثونی و حمایت از شما جلوه‌ها و جنبه‌های واقعی
این مبارزه در شما می‌ایماند و بخصوص در حال
حاضر در کردستان .

و شما موخته‌اید که با بیستی سیاست انقلابی و فدا مانه‌ای
بیش بگیرید . مطمئن باشید و به خود تردید را ه
ندیدید که هرگز و هرگز نخوا هید توانست این راه را مدت
مدیدی ادا مدهید . مطمئن باشید و اید که نمی-
توانید برای زمانی طولانی توده‌های پر شور خود را با
مظلوم‌نما می در کنار خود نگه‌دارید . مطمئن باشید که
از کنار رگوشتان نیروهای انقلابی درون سازمان سر
بلندخوا هند کرد و شمارا و سیاست سازشکارانه و معما شات
جوبا نه‌تان را کنارخوا هند گذاشت . آری در این اعتلا
مبارزاتی در این مبارزه‌ها دقیقاً می‌دانیم بحران
عمیق و گسترده اقتصادی - اجتماعی جا معما . در این
موقعیتی که هر لحظه نیروهای انقلابی خلق بسوی
را دیگا لیسم بیشتری کشا نده می‌شوند . در این زمانی
که روز بروز طبقه کارگر - این طبقه تا به آخر انقلابی -
از اهمیت و کارآئی زیادتری برخوردار می‌گردد و
نمایندگان سیاسی بیشتری را به اجتماع عرضه میکند
و بیشتر و بیشتر در آستانه باغی نقش تاریخی و انقلابی
خود - یعنی رهبری جنبش دمکراتیک و فدا میریالیستی
کشورمان بسوی جمهوری دمکراتیک خلق - واقع می-
شود . در چنین زمانی نمیتوان و نتوانید بر سیاستی که
تاکنون اتخا ذکرده‌اید تا کیدکنید و الا تاریخ و مبارزه
سخت و بسیار طبقه‌ای درس تلخی به شما خواهد داد . درسی
که چه‌بما برای آموختن آن تاوان زیادی از طرف شما
و جنبش دمکراتیک و فدا میریالیستی خلق با بدیدار خه
شود . ما همچنان معتقدیم که " اکنون موقعیت حساس و
خطر کنونی وظایف استرگی را از شما طلب میکند اکنون
جنبش انقلابی خلق و شما منبروهای راستین انقلابی
بسویزه انقلابیون کمونست اتخا ذموضی را از شما طلب
میکند که نشانه یک خط مضمی پیگیر و انقلابی است . این
خط مضمی پیگیر ، که اکنون شما را بخود می‌طلبند ، از شما
میخوا هد که :

... -
مشت محکمی بردن از ارتجاع و برپوزر کمانی که
اکنون میکوشند تا با موج تهاجمات تبلیغاتی و فشار
از هر سو بر ما زمان نشان شما را از موضعی قاطع و صریح
بر علیه آنها و بیوستن به خط مضمی انقلابی و پیگیر -
حذر دارند و به سازش با ارتجاع بکشاند ، فر و گوید " (۳)
ما همچنان امیدواریم که تجدیدنظر کلی را در سیاست
لیبرالی و سازشکارانه شما بسمت یک سیاست انقلابی
و مبارزه جوبا نه‌مها ده‌کنیم . ما " در این آرزوی خود
چشم‌به‌آینده و دخته ایم ."



(۲) و (۳) - نقل قولها از پیکار شما ۶۳ مقاله
"چهره عربان هیئت حا که و سخنی با مجاهدین خلق
ایران" - قسمت دوم - می‌باشد .

- با تجدیدنظر در خط مضمی راستروا نه لیبرالی گذشته
خویش چه در برابر هیات حا که و چه در برابر جنبش
انقلابی خلق و مبارزه جاری .

رجائی، عامل حزب جمهوری اسلامی و برادر لیبرال‌هاست

سخنانه صفحه ۷

مبارزیدن نوده های سازمانی و هواداران یکطرفه و ارباب حیدرآباد و بیکطرفه احمد خمینی و سنی صدر و مفا با تکیه بر وختی آنها از طرف دیگر برداشته اند. ما در چندین ساله منجمله در سال ۶۹ و شماره ۱۰۰ - پس موضوعی رهبری ما همدین خلق را مورد نقد قرار داده ایم.

از سوی دیگر در آراء ما ملحق بر آکنه های دستکاهی تبلیغاتی رژیم، نشریه های سازمان ما مجموعه ویژه نماز جمعه بخش منتهی در شماره اول خود (۲۰ تیر) عکس دو رفیق ما (حسین روحانی و تراب حق شناس) را چاپ کردیم که چهره دو مضاف آشنا بود؛ خالب اینکه عکسها از بریده های رفتار در آواکها خنده و کوشه ای از نشانه های دستکاه مدخلی کنونی با رژیم مدخلی گذشته را عیان میسازد.

این اصطلاح افتخارگرها علیه ما همدین و شیرو - های انقلابی و کمونیستی در آواکها و نشرها و مساجد و معارض عمومی همدین در حزب جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران بنا بر این گذاشته اند و در مانده ای آقا با ن بقدرت رسیده و وختی از رشد نیروهای انقلابی پیش از رسیدن عیان گردید. اما حمله "بنا بر انقلاب" ارگان سپاه پاسداران با محمد منتظری حاوی وقحانه ترین نهمتهای ما همدین سوزیه به رفیق ما تراب حق شناس بود که در شماره پیکار (۶۷ تا ۶۹) بطور مختصر در آنها باخ داده اند.

اما آنچه در اینجا بنا بر این موش کیم و واقعیتهای بوده که بسیاری از هواداران جوان ما همدین خلق با آن روبرو شده بودند. آنها جنبه های از نا رنجی و سازمان خود را بنا بر این رهبری سازمان، بلکه با این رهبران رژیم (از موضعی ارتجاعی) می شنیدند و میخواهند! زیرا رهبری ما همدین طی یکسال و نیم گذشته، همواره از گفتن همه حقیقت به هواداران و اعضای جوان خود امتناع کرده است. این رهبری تا ریح ما زمان را در وجود معدودی افراد که فعلا با این رهبری منطبق و همراهند خلاصه کرده، چنان وانمود کرده است که گویا کسانی که کمونیست شده و ما کنون در صفوف ما همدین نیستند، در تاریخ این سازمان و کلاد رجحش انقلابی سالهای گذشته، هیچ سهمی ایفا نکرده اند. دهها شهید انقلابی کمونیست، دهها غمخوار در سابق ما همدین خلق که در زندان و با خارج زندان به مبارزه انقلابی ادامه داده اند و پیش از بدلولوزیک مذهبی ما همدین را رها کرده و با پذیرش ما رگسملینتیم بیکرانه برای رها شدن طیفه کارگر - این طیفه با باخ انقلابی - مبارزه کرده و می کنند، هیچ بوده اند و بلکه بدتر (علیرغم برخورد انقلابی شان، گذشته) "بورتو - نیستی" جیب شما "بیست نیستند! رهبری فعلی ما همدین هرگز بیخ "خودنماست که تنها حقیقت گذشته ما همدین را به توده های بن به اعما و کار درهای جوانش بازگوید. این حمله لنین چقدر گویاست که اگر تمامای همدی هم ما مضاف افراد سرخورد می نمود محققان را رد می کردند."

رهبری ما همدین همه حقایق گذشته را میدانند اما تنها آنها را نمی گویند بلکه گاه بعضی لیتها و مبارزات برخی رفقا را که امروز در اجزای راجوب سبک سازمان کمونیستی به مبارزه ادامه میدهند - فرد دیگری، شهیدان عمر شهید، نیست میدهند. نمونه ها را یاداب و مافعاللومی به ذکر آنها نمی بینیم. (۲) سرگردانها مل مطلب: منظور هر چه آکا هر گردن

نوده ها به ما همدین کسانی که در آواکها رژیم جمهوری اسلامی فرار دارند. برای افشای نهمتهای ما حوا بر آواکها که به نیروهای انقلابی و ما همدین زده شده، برای غنی تر کردن تجربه انقلابی بوده های خلق و روشی - گردن زوایای از نا رنج ما زوایای سالهای گذشته که در یکی دو سال اخیر، بسیار در معرض دروغها و لجن پراکنی - ها و آلودگیها قرار گرفته است و شب بیده ها مجال جولان یافته اند و بخصوص برای روشن شدن موضعی که آیت الله خمینی در آواکها سالهای ۴۰ و بعد در نجف تا سال ۵۷ داشت ما حمله ای ترتیب داده ایم با رفتار حق شناس و حسین روحانی که از شماره آینه ملاحظه خواهد کرد.



(۲) - بطور مثال کافست از رهبری ما همدین خلق خواننده شود ما لیت افرادی را که در عملیات نظامی مهم بین سالهای ۵۰ تا ۵۴ شرکت داشته اند منتظر سازید. توفت خواهد بود که چگونه رفقای کمونیست ما چه آنها که زنده اند و چه آنها که شهید شده اند در این عملیات سهمی داشته اند. کافست از این برادران بر سریده شود که شما به چه دلیل نوشته رفیق شهید محمد تقی شهرا مراد مورد رجحش داشتند و وظایف کنونی آن (که در رابطه با عملیات نظامی علیه کارگران و کشاورز صنعتی (شریف) منتشر شد) را بدون آنکه اسمی از نویسندگان آن برید منتشر کنید؟! بلی، شما حق دارید نام ما ساد مربوط به این سالها را به اسم ما همدین انتشار دهید، ولی این تنها نصف حقیقت است، نصف دیگر حقیقت اینست که توده ها با نندجه کسی این سند را نوشته، چه کسی و چه کسانی در رفان عملیات شرکت داشته اند....

بورش به کتابفروشیها چاپخانه ها همچنان ادامه دارد

حکومت جمهوری اسلامی در ادامه مساعیهای ضد دموکراتیک و ضد مردمی خود و بلاحظه وحشی که از آگاهی توده ها دارد، کتابفروشیها و چاپخانه های را که نشریات و کتب آکا هکرا نه منتسب به نیروهای انقلابی را چاپ و پخش می کنند، مورد هجوم خود قرار داده و می دهد. و این در حالی است که همه روزه، جماعت داران و قدراندگان حزب جمهوری اسلامی، به کتابفروشیهای کناره خیابان حمله برده و زیر چرخهای پستی پاسداران، فروشندهگان نشریات و وحشی غا برین کناره خیابان را وحشیانه مورد حمله قرار می دهند.

تا کنون بسیاری از چاپخانه های که ما در تبه چاپ کتب و نشریات تیروهای انقلابی می نمودند، مهروموم شده و صاحبانشان در زندانهای رژیم بسر میبرند. فقط در عرض دو ماه گذشته بالغ بر ده هزار جلد از کتابهای سازمان ما که آما ده برای پخش بوده در چاپخانه های مختلف بدست پاسداران بگارت رفته و ما حیا با چاپخانه های زده شده اند. دهها تن از هواداران انمان، فقط در رابطه با پخش و فروش نشریات و کتب سازمانی زندان افتاده اند. هفت خاکه ما حیا حالی تمام گمان می برده که خواهد توانست با این گونه شیوه های "آریامهری" مانع از فعالیت آگاهان - گرانه ما و دیگر نیروهای انقلابی شود. او فراموش کرده است که کمونیستها هیچگاه و تحت هیچ شرایطی دست از مبارزه در راه آزادی طیفه کارگر و دیگر زحمتکشان برنداشته و سرخوا هندا شد.

سخنانه صفحه ۶

نزدیک هستند که خطبه عقدا زود از فرزندان نشان را هم کاه " برای تیرک" ما م قرائت میکنند چرا موار هستند و وظایف شرعی را انجام میدهند؟

درفتنوی سوم، زمینی که از مال به اصطلاح حلال خریده شده به ارباب یکی رسیده به اندجه در شهر چه خارج شهر نمی شود از او گرفت. آیا این فتوا جزینفع زمین - داران بزرگ و اعیان زاده ها و جزینفع کسانی که نسل اندر نسل بقیمت فقرویی خانمانی زحمتکشان زمین - ها را بخود اختصاص داده و پس از مردن آنها به اولاد - شان رسیده است می باشد؟

درفتنوی چهارم هیچ حدی برای زمین موازی که احیاناً در گذر گذشته و بخوبی میتوان دست زمین - داران بزرگ را که از امکانات زیادی برای سرمایه به گذاری برخوردارند بلاحظه شرعی بازگذاشت. این که با اصطلاح آن زمین موات را چگونه بقیمت استثماریه کسانی " احیا" کرد. مهم نیست، اینکه در کنار همان زمین " احیا" شده کتا وزران گسترده ای جان بکنند هم مهم نیست، بلکه مهم این است که به " اصل مقدس مالکیت" کوچکی رسد لطمه ای نخورد.

درفتنوی پنجم، سوال کننده مودبانه فقط از دو خانه که ما حب آنها فقط بیکی احتیاج دارد صحبت می کند و آیت الله خمینی گرفتن خانه اضافی را مجاز نمی - شمارد. با زهم مهم اصل " مقدس" مالکیت است و اینکه زحمتکشان در همسایگی آن خانه یک سریناه گلین هم نداشته باشند مهم نیست. آیا این احکام آن حاجی - های محترم ما با زار که حداقل خانه ای در شهر، یکی در شیراز، و دیگری در شمال دارد خوشحال نمی - کند؟

خوتابحالشان! که هم خانه های دنیا را دارند و هم خانه های آخرت را!

درفتنوی ششم هر چند صحبت از ده جریب (حدود یک هکتار) زمین در میان است ولی با توجه به اینکه هیچ حدی و شرطی ذکر نشده دلایلی ندارد که تا مل بیش از ده جریب هم نباید. مالکیت " مالک" بر زمین بر طبق این فتوا " تقدیر" مقدس " است که با وجود آنکه " مالک" نمی تواند بدینا نمی خواهد در آن زراعت کند، به هیچ شکلی نمی توان بدون رضایت او زمین استفاده کرد. او می تواند بدینا تکاب به اصل مالکیت، زمین را بنمیل خود بیلا استفاده بکند. حالا کسان دیگری به همان قطعه احتیاج میبرند در بدینا ندارند به - مالک مربوط است نه به قانون شرعی که از او حمایت می کند.

آیت الله موسیقی را مطلقا حرام دانسته اند. عمق عقب ماندگی این بیخند حدی است که حتی خودشان نتوانستند در عمل، این فتوا را رعایت کنند. فتوای هشتم اولین سند در نوع خود برای حمایت مطلق از فقر و روحانیت است که بر اساس آن فرد غنی سر معمم هر چند با اصطلاح شرایط لازم به بیخند زبون را طبق سنتهای اسلامی دارا باشد نمی تواند بدینا زینت زینت این فتوا را اگر در کنار داده ها و ویژه مضمین و تسعیمی که در مورد آخوندهای ساواکی و فساد اخلاق قائل شده اند نگذارد عمق فقر و بیگانه و بیگانه برستی مردم داران جمهوری اسلامی را میتوان بدینا بهتر متا هه کنیم. بر طبق فتوای نهم زمینی را که " متعلق" به مالکی بوده و فنانش خنک شده و بیلا استفاده است بیک فرد زحمتکش که بدون خانه و سریناه است حق ندارد در آن زمین خانه بسازد!

عدل اسلامی، حکومت مستعین و غیره یعنی همین!

بزرگداشت پیکارگر شهید، رفیق مسلم خلع

روز شنبه ۲۵ مرداد در محله غار (جنوب تهران) مراسم بزرگداشتی بیدار رفیق شهید مسلم خلع که در تئاتر انقلاب و طبقه تشکیل شد. در اثر تصادف شهادت رسید (پیکار ۶۸) بر گزار شد.

جمعی از رفقا و همروزمان و آشنا سان رفیق، ساعت ۶/۵ بعد از ظهر آژردرگود رسولی (محللی که رفیق در بالای آن بساط فروش نشریات پیکار و دیگر نشریات انقلابی و کمونیستی و آگاهگران بهین میکرد) اجتماع کردند ابتدا چند سرود فلسطینی پخش شد. سپس با قرائت پیام "پیکار زحمتکشان کود" و یک دقیقه سکوت بباد آن رفیق شهید مراسم آغاز گشت. شعر "مراسم تدفین یک کمونیست" سروده سر شوکت و مثنوی که یکی از رفقای اهل محل بباد آن شهید نوشته بود، و بعد از زندگی نامه رفیق سوسیله رفقای او خوانده شد. سپس یکی از بچه های کوچک غار که به نام زکی رفیقی صمیمی و مهربان با فتنه ولی او را این چنین از دست داده بود مثنوی قرائت کرد که در آن قول داده بود راه رفیق خلع را ادامه دهد و تا ریشه کن شدن سرمایه داران و مفتخوران از پای ننشیند. آنگاه پیام و نبروهای سیاسی محل بترتیب: پیام جمعیت زنان مبارز، هواداران روزندگان

و هواداران را هکارگر خوانده شد و در پایان پیام هواداران چریکهای فدائی خلق (اقلیت) نیز بدست رفقا رسید. برخی از شعرا را شای که از سوی جمعیت شکرگزاران عبا رت بود از:

گودنشین، میرز مد، کاج نشین میلرزد
شما زحمتکشان: نا، منگی، آزادی، گود
نشین! گودنشین! این خانه های خالی
حق مسلم نیست، این حاصل رنج نوست
سرما به از روز اول نبوده، سرمایه دار حق
ترا نبوده، سرما به داری وابسته عامل هر
گزائی. زحمتکشان ایران بر می کشند فریاد
دیگری است گزائی، دیگری است پیکاری.
پلاکارها و وزا لیدهای متعدد و
تصویری از رفیق شهید مسلم خلع برپا رچه
- ای که سرتان نوشته شده بود: "تعمیر
و تعمیرند آن ناکره خلق بگیرند." محیط
مراسم از زینت می بخشید.

پیکار زمین گرامیداشت بآدان رفیق
شهید و تجدید بیما ن با همه شهدا در ادامه
مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر و دیگر
زحمتکشان. از رفقای هوادار میخواهد
که عکسهای چنین مراسمی را همراه با
گزارش به نشریه بفرستند.

سالگرد شهادت رفقای شهید



حسن آلا دیپوش رفعت افزار

در ۱۳۳۹ خورشیدی در تهران متولد شد. در ۱۳۵۲ در سن ۱۳ سالگی با عضویت در سازمان فدائیان ایران در راه آزادی مبارزه مسلحانه شرکت کرد. در ۱۳۵۴ در سن ۱۵ سالگی در جریان مبارزه در محله غار (جنوب تهران) در جریان مبارزه با رژیم پهلوی شهید شد. در ۱۳۵۴ در سن ۱۵ سالگی در جریان مبارزه با رژیم پهلوی شهید شد. در ۱۳۵۴ در سن ۱۵ سالگی در جریان مبارزه با رژیم پهلوی شهید شد. در ۱۳۵۴ در سن ۱۵ سالگی در جریان مبارزه با رژیم پهلوی شهید شد.

گرامی باد خاطره شهدای بخون خفته خلق

شهریور ۵۹

چهلمین روز شهادت رفیق محمد رسول عزیزان

روز چهارمادیک معلم انقلابی، یک مبارز راه رهایی زحمتکشان، رفیق محمدرسلول عزیزان، هوادار آزما ن چریکهای فدائی خلق (اقلیت) که در شهرستان سیرجان به تدریس و فعالیت انقلابی مشغول بود، بدست حاکم شرع ارتجاعی کرمان بنا م فهمید به جوخه اعدا مسیرده شد. شهادت معلم انقلابی و زحمتکش هم در دوره رژیم گذشته و هم در دوره رژیم فعلی بصورت امری عادی در آمده است. درگذشته صمد بهرنگی ها، رفعت افزارها، حسن ابراری ها و محبوبه متحدین ها را شتم و مسروزی کردی بیانی ها و عزیزان ها ...

رژیم جمهوری اسلامی با "میرغیب"هایی نظیر خلعالی و فهم کرمانی و جنتی و ما دیخوا و دیگران موفق به سرکوب جنبش انقلابی خلق نخواهد شد همانطور که رژیم گذشته نتواند و ما وظیفه داریم جبهه انقلابی کمانی ما صد رفیق شهید عزیزان را هر چه بیشتر به توده های خلق معرفی کنیم و ما سگ از چهره های سگاران و فانیان آنها برکنیم. با بدنه توده ها نشان دهم که این شهیدان تنها به "جرم" عشق به طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، خون باکشان بر زمین ریخته میشوند، خونی که تا نبودی امیریا لیس و عملش از جوشش نمی افتند.

با در رفیق شهید محمدرسلول عزیزان، در قلمبش تا کرداش و همه زحمتکشان زنده است.

بقیه از صفحه ۱۶

باند بختیار...

جذب آنها بر خورد راست. او با امکانات را دیپوشی می - گوشتنا توده های نا آکا دو کنگه شده از رژیم حاکم را به طرف خود متمایل سازد و بدین ترتیب نقشه های خائسانه خود را پیاده کند.

در چنین شرایطی که خطر رخنه را و دیگر مزدوران آمریکا، همچنان با بر جاست، بر انقلابیون و مردم آگاه ایران است که ما هیت کثیف بختیار و امثال او را هر چه گسترده تر افشا کرده و از فتنان توده ها بدام آنان جلوگیری کنند. چنان با بختیار و در دوران کوتاهی که بعنوان "تخت وزیرانه" تحولات از منافع امیریا لیس آمریکا و خاندان سنگین بهلوی برداخت، هیچگاه فراموش نخواهد شد و مردم آگاه و انقلابی ایران بدو اینک تندی در ما هیت مزدومی رژیم جمهوری اسلامی داشته باشند، توطئه های خائسانه بختیارها و ارما بان امیریا لیس شان را در هم خواهد شکست! توده های خلق ما برای آزادی و استقلال واقعی مبارزه میکنند. آنان میدانند که بدست آوردن این آزادی و استقلال درگرمی و زرقاطما نعلیه رژیم جمهوری اسلامی، با ندمت و رخنه ران روبالیزبان و همه امیریا لیس ها می باشد.

نه رژیم جمهوری اسلامی، نه باند بختیار و نه هیچ - یک از امیریا لیسها، آری هیچکدام از اسان مدافع منافع خلق ما نیستند، اسان دشمن توده های نیم - دیده ایران می باشد. مدافعین راستین خلق نیرو - های انقلابی راستین و کمونیستهای واقعی می باشند.



پوزش و تصحیح و تذکری لازم

در پیکار ۶۱ شماره ما نام چند تن از رفقای شهید که در احوال محکوم به اعدام شدند، نام شخصی بنام منوچهر جعفری نیز آمده است. ما بر اساس اطلاعیه که از رفقای محل بدستمان رسیده بود از آنجا که اطلاع اولی درست نبوده و نام منوچهر را به اشتباه آورده است. همچنین همانطور که در شماره قبیل نوشتیم عکس شخصی دیگری بجای منوچهر جعفری در شماره ۶۱ چاپ شده است. ما ضمن پوزش و تصحیح از رفقا و هواداران ما میخواهیم که در صورت اطلاعیه که برای ما مفرستند آنها بت دقت را بعمل آورند چون ما به اعتماد دگراش آنان به کار تبلیغی خود دست میزنیم و بدین است خطای از این نوع که پیش آمده، همیشه حسرت ما زمان انقلابی و کمونیستی ما ن لطمه میزند و هم مورد سوگند است. عفو خداوند انقلاب فراموش نکرد.

در همان شماره ۶۱ عطفی خبری از کردستان که گفته شده که یکی از رفقای هوادار ما بنام میلاد مرادی اعدام شده است که بدست نیست. تا ما میرده را بنیاز دستگیری آزاد کرده بودند ولی پس از مدتی مجدداً وارد دستگیر کرده اند ما احساس آزادی او و کلیشه زندان اسان انقلابی و مبارز هستیم و رژیم را مسئول جان میلاد مرادی می دانیم. در اینجا هم از رفقا میخواهیم محبت احما را را ملی را سا دقت و احسان مسئولیت انقلابی و کمونیستی مسرود تا کید فرار دهند.



جنبش کارگری و بحران رویزیونیسم در لهستان

هفته گذشته ما شاهد جدگیری بیشتر و گسترش آنست که با تکان‌های در شهرهای مختلف ایس کشور بودیم، اکنون دیگر برای هر کسی روشن شده است که واقعیتی ملموس در لهستان جریان دارد، واقعیتی که از شما طبقه کارگر تحت مناسبات سرمایه داری حاکم، ما هیت فدکا کارگری و بورژوازی حزب و دولت، رشد و گسترش مبارزه بین طبقات و... حکایت میکند. مبارزه طبقاتی کارگران لهستان اگرچه پرستریک حرکت نسبتاً خودبخودی و بدون نقش مستقیم یک سازمان سیاسی انقلابی طبقه کارگر به مرحله تعارض با بورژوازی حاکم در این کشور کشیده شده است اما نباید فراموش کرد که حتی این حرکت خودبخودی در شکل‌های اولیه خود نتوانسته است، بی‌پوند آنچنان محکمی در بین طبقه کارگر لهستان و در نقاط مختلف آن کشور وجود آورد که علیرغم تلاش‌های توطئه آمیز دولت بورژوازی-رویزبونیسمی منظور پراکنده ساختن و گسستن اتحاد و یکپارچگی کارگران، آنها همچنان صف متحد خود را حفظ نموده و اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواسته‌های طبقه کارگر لهستان دست از مبارزه و اعتصاب نخواهند کشید. نمونه‌های بسیاری از تفرقه افکنی هموق الذکر رویزیونیست‌ها را میتوان در موافقت مقامات دولتی مبنی بر افزایش ۲۱۰۰۰ زلوتی (۷۰۰۰ ریال) به حقوق رانندگان اتوبوس و در مقابل، بازگشت آنها بر سر کار رجسترونموده که البته این پیشنهادها در مخالفت کارگران این بخش مواجعه شده و توافق جدال خواهانه‌ای کل جنبش از طرف آنها رد شده است.

رشد مبارزه طبقاتی طبقه کارگر و شکاف در بالا

بدون شک مبارزه طبقاتی طبقه کارگر در لهستان که اکنون بشكل اعتصاب‌ها گسترده و سراسری ادامه دارد، دارای پیامدهای بسیار مهمی است که نه صرفاً فقط نتیجه مبارزه کارگران لهستان بلکه به نفع تمام مبارزه طبقاتی در تمام جوامع طبقاتی میباشد. این پیامدها با حدت بحران اقتصادی از یک سو و رشد مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکاران از سوی دیگر به شکل مختلف برومی نماید. تغییر و تحولات اخیر در حزب بورژوازی رویزیونیست حاکم لهستان نیز در حقیقت تأثیر بلاواسطه مبارزات طبقه کارگر در ایجاد شکاف بین

بورژوازی حاکم در لهستان محسوب میشود. برکناری "ژان بولاک" زدنترسیاسی و شورای مرکزی سندیکاها اخراج "ژرکو کاسویک" شورسین رویزیونیست از بوروی سیاسی و "تادوش" و "راسیک" از کمیته مرکزی و مهمتر از همه استعفای "ادوار با بوج" نخست وزیر لهستان، همه و همه نشان مینهند که حزب و دولت بورژوازی لهستان برای فریب کارگران و خلاص شدن از بحران موجود دست به چنین تغییراتی زده است و در واقع برای مقابله با جنبش طبقه کارگر از همان شیوه‌های رایج در کشورهای سرمایه داری یعنی تغییر با ترمیم کابینه... استفاده نموده است. با چنین اقداماتی رژیم میکوشد تا برای کارگران مبارز لهستان و آشودما زکوره‌ها را طلی بحران موجود در سیاستهای غلط کابینه و عواملی جنرال دولت و حزب بوده است!

نکته قابل توجه اینکه تغییر و تحولات کاذب و صوری در حزب و دولت رویزیونیست، بهیچوجه مورد استقبال کارگران لهستان قرار نگرفته است. چه به سبب کیفیت اعتصابات و تفوق جنبه‌های سیاسی آنها بر جنبه‌های اقتصادی شان و بلاایمنی سطح آگامی، کارگران لهستان بخوبی بر ماهیت حزب و دولت رویزیونیست، آگامی داشته و میداند که این تغییرات بهیچوجه یک تحول بنیادین در سیاست و اقتصاد کشور نمیتواند باشد. بدانگونه که یکی از کارگران اظهار داشته است: "تحولات اخیر در مقامات دولتی به منزله پیشرفت زیادی نیست به احتمال زیاد این تغییرات همانند درآوردن یک کت کهنه و پوشیدن یک کت نومی باشد."

اتحاد کلیسا و رویزیونیست‌ها برای شکستن اعتصاب

بورژوازی - رویزیونیست‌ها، بدنبال تلاش‌های مداوم در جهت به شکست کشاندن اعتصاب اکنون دست به دامان انقلاب شده و از آنها خواسته اند که با نطفه‌های تلویزیونی خود، اعتصابیون را به سرکار برگردانند این اولین بار نیست که بورژوازی برای تسکین و بخشیدن به حاکمیت خود و سرکوب جنبش کارگران و زحمتکاران و ادامه استقامت آنها، به کلیسا متوسل شده است. تاریخ انقلابات در سراسر جهان نشان میدهد که در اثر دشمنی زده طبقاتی و خشن شدن انواع شیوه‌های سرکوب و فریب ستگران، بورژوازی، انقلابها، کشیشان و شخصیت‌های مذهبی را برای مقابله با جنبش طبقه کارگر و رهبران مبارزات انقلابی آنها بکار گرفته است. انقلابها و کشیشان با تکیه بر اعتقادات مذهبی توده‌ها برای آنان سخنرانی میکنند و نطفه‌های آتشین انجام میدهند، کارگران را از عقوبت ابدی اعتصاب و مبارزه منترسانند و متوجه بودن حاکمیت سرمایه داران و مرتجعین را توجیه مینمایند. حزب بورژوازی - رویزیونیست لهستان نیز در زمانی که در استیمال قرار دارد برای مقابله با جنبش طبقه کارگر به استفاده از همین حربه دست زده است.

اسقف کلیسای "گدانسک" در مراسم دعا در روز یکشنبه هفته گذشته به کارگران گفته است: "اعتصاب بنبفع شما خواهد بود، ما در اینجا نمینماید، اعتصابات شما بحران موجود را گسترش میدهد و جو متشنج را حادث میسازد! " یا کار دینال "استفان ویزسینسکی" (اسقف

اعظم لهستان) نیز در ماحصله‌ای گفته است: "اکثریت درخواست‌های کارگران بحق میباشد ولی نباید متوقع انجام فوری آنان بود!" براساسی این تشابه چشمگیر بین سخنان اسقف اعظم لهستان با اندرزهای کشیشان کلیساها در کشورهای امپریالیستی غرب از یکجای ریشه میگردد؟ با غیر از این است که بورژوازی در هر دو کشور برای فریب کارگران آنها را بصورتی دعوت میکند تا با تکیه بر اعتقادات مذهبی و تسخیر آنها و خاموش گردانیدن مبارزات آنان، بهره‌کشی از آنها را شدیدتر از پیش ادامه دهد؟ آیا با زهم میتوان درس‌هایی بیرون کشید از رویزیونیست‌ها در این باره؟ ما میبایست: سوسیالیست‌ها در لهستان چگونه سوسیالیست‌هاست که در آن رهبران "حزب متحد کارگران" برای نجات خود و مقابله با جنبش طبقه کارگر دست بردارند و کلیسا و مذهب گردیده اند؟ نه، این سوسیالیست‌ها، سوسیالیست‌ها دروغین است و سوسیالیستی و نمود کردن این کشور بورژوازی - رویزیونیستی جز فریب طبقه کارگر چیز دیگر نمیتواند باشد.

اعتصابات کارگری لهستان و امپریالیست‌های غربی

از آغاز اعتصابات اخیر در لهستان، ما شاهد تبلیغات وسیعی در جهت تخطئه حقایق سوسیالیسم از جانب محافل و بلندگوهای امپریالیست‌های غربی و دولت ارتجاعی بوده و هستیم. این تبلیغات نه در جهت افشای ماهیت دولت بورژوازی لهستان، بلکه عمدتاً در این جهت بوده است که او را نمودار زنده اعتصابات کارگری در لهستان، زائیده سوسیالیسم‌ها و از فشار سیاسی - اقتصادی رژیم "سوسیالیستی" و حاکمیت حزب و دولت با صلاح کمونیست لهستان بوده است. اینان که بدستی دشمن اصلی و عده خود را در وجود کمونیست‌ها و آرمان‌والای آنها یعنی کمونیسم که همان آرمان طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش است میبینند، با تبلیغات ارتجاعی خود میخواهند توده‌ها را از کمونیسم و کمونیست‌ها بترسانند. میخواهند توده‌ها را از بدلولوی رهائی بخش طبقه کارگر و توده‌ها، دور ساخته و بسزایر نماید تا بحال خود، دست و پایش را از کارگران و زحمتکاران را بنحوبهتری اعمال نماید. از طرفی رویزیونیست‌های خائن به جراتی نیز چه در میهن ما و چه در سطح جهانی همدا با بلندگوهای امپریالیستی و بر اساس تئوری ضد خلقی که جهان از موضعی بغایت ارتجاعی و فدا انقلابی، برای کارگران لهستان با صلاح دل میسوزانند. با بدگفتار این خائنین هدفی جز کشاندن طبقه کارگر لهستان بزیرویغ بهره‌کشی امپریالیست‌های غربی ندارند، اینان که در دشمنی با سوسیالیسم و امپریالیسم روس، خلق‌های جهان را به قربان گاه امپریالیست‌های غربی بسوزانند امپریالیسم آمریکا فرا میخوانند، نمیتوانند ندانند ما و مدافعان طبقه کارگر لهستان نباشند.

اینکه امپریالیست‌های آمریکا، در شیکاگو نظراتی در باره صلاح حمایت از کارگران لهستان برپا میکنند! اینکه اتحادیه‌های با صلاح کارگری خدمتگزار امپریالیست‌ها، در ژان از کارگران لهستان اعلام پشتیبانی میکنند و با همچنین حمایت نمایندگان

شوراهای وابسته ضد کارگری را افشا و طرد کنیم

پیرامون فاجعه گچساران و تحریک‌نیروهای انقلابی



با یکدیگر عمدی کردند ولی تا آنجا که در توان داشتند نیروگذاشتند. فعالیت نیروهای انقلابی و رفقای ما شامل موارد زیر بود:

جمع آوری وسایل مورد نیاز از قبیل سیخ، دارو، پتو و غیره از خانه‌ها و ایستگاه محل حادثه، عده‌ای که موفق به تهیه وسیله نقلیه شدند خود را به محل حادثه رساندند. شرکت فعال و چشمگیر در خون‌ریسی به محرومین، نقض نیروهای انقلابی در این حادثه جدی‌بار و ارزنده بود که مردم را تحت تاثیر قرار داده بود و مرتب مورد تشویق قرار می‌گرفتند. از جمله قضایای مردم یکی هم این بود که: "این کمونیست‌ها که میگفتند آدم‌های خوبی نیستند، ببینید چطور خوششان می‌دهد و چطور به کمک می‌شناسند، پس کجا هستند آنها بی‌کسب و نامتواکمان و مردم بی‌مستضعف می‌زدند، کمونیست‌ها که رود تراز آنها برای کمک آمده‌اند." و با اینکه "اینها واقعا طرفدار خلقند و خلقی است." به هر صورت مردم عینیت و در تجربه خوبی درک کردند و می‌کنند که کمونیست‌ها هستند که طرفداران واقعی مردم زحمتکش می‌باشند.

معیّن فر...

بقیه از صفحه ۱۶

ملت مسلمان ایران! "الغب گرفته‌اند، از جه دلخوری دارند؟! از اینکه چرا رئیس، پروژها شما نمی‌سازد و کجا است و بدون نظار و ادعا تصویب کرده است و نگذاشته است آقای معین فر، خریدش اجرای پروژه‌ها شما نمی‌سازد و کجا است تا به آخر دنبال کند و بیاید! کوشم؟

به این ساواک می‌گفتی و حزب جمهوری اسلامی که او را کاندیدای نمایندگی مجلس کرد و نیز به شورای انقلاب "که" و عصبیت آنرا دارا بوده است یا بدگفت: آقایان! مبارزات توده‌ها مجال "ترک‌سازی" چندانی شما نخواهد داد!

روزیونیست‌ها، یعنی بر استقرار سوسیالیسم دستاورد - های آن!! در اروپای شرقی، ما بوضوح شاهد مبارزه طبقاتی حادی در این کشورها بوده‌ایم. مبارزه طبقاتی ای که نه‌اش از این با آن‌ها نا راستی در ساختمان با صلاح سوسیالیسم‌روزیونیست‌ها، بلکه ناشی از استعمار طبقه کارگر تحت مناسبات سرمایه‌داری و حاکمیت روزیونیسم می‌باشد.

ما در شما را بعد موصوم‌کنی نیروهای سیاسی ایران را در مقابل وقایع اخیر لیسان بررسی خواهد کرد.

کمیته خوزستان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در راه باطریقاً فاجعه انفجار در روستای "ده بزرگ" گچساران اعلامیه‌ای بنام تاریخ ۵۹/۵/۳۰ منتشر کرده است که در زیر قسمتهاش از آنرا می‌خوانید:

"سیستم سرمایه‌داری وابسته یکبار دیگر تعداد کثیری از زحمتکشان میهنمان را به مسلخ کشاند و خون پاکشان را در راه ادامه غارت، چپاول و استثمار - گری بر زمین ریخت. حادثه روستای "ده بزرگ" از توابع بخش "تاش" گچساران برای هزارمین بار این واقعت تاریخی را تکرار کرد که در نظام سرمایه‌داری آنجا که زحمتکشان اهمیت تروسی ارزش تراست زندگی و جان زحمتکشان و خلقهای محروم و مستعبد می‌باشد، و تنها چیزی که در مدنظر قرار داده عبارت است از غارت و استثمار ریسندگی سود بالاتر."

در اعلامیه پس از شرح چگونگی ماجرا، سوال شده است:

"آیا حادثه انفجار در روستای "ده بزرگ" صرفاً یک رویداد اتفاقی بوده است؟

ما می‌پرسیم آیا مقامات وزارت راه از وجود این انبار در وسط یک روستا و در یک چنین شرایطی بی‌خبر بودند؟

ما می‌پرسیم آیا زاندار می، ارتش و سپاه پاسداران از وجود چنین انبار مرگباری اطلاع نداشتند؟! پاساها با مداراتی که وجود یک قیسه سلاح در نزد فردی انقلابی از نظرش پنهان نمی‌ماند بطوری که فرد مذکور را به آستانه اعدام می‌کشاند می‌تواند ادعا کند که از وجود این انبار در یک چنین شرایط خطرناکی بی‌اطلاع بوده است؟

مسلم است که وجود یک انبار مواد منفجره در یک چنین شرایطی که مرگ، تعداد زیادی از زحمتکشان را تهدید می‌کرد برای همه آنها حتی با اندازه سربک سوزن هم اهمیت نداشته است.

آبایی توجیه همه مقامات اداری و اجرایی، وجود یک انبار مواد منفجره، وجود روستایی که ساکنان زحمتکش آن در شرف خیزش و خیزش منطقه کشور در شرایطی فلاتک با ریزش کبر و سوا به آن زندگی میکنند، همه و همه را می‌توان اتفاقاتی دانست که جمع شده‌اند و منتظر جرقه‌ای از یک دستگاو جوشکاری مانند اند تا از آن یک فاجعه پدید آید؟

اعلامیه پس از افشای تاخیر و تعلل مقامات مسئول در کمک رسانی و جمع آوری اجساد و انتقال محرومین به فعالیت نیروهای انقلابی در این رابطه اشاره کرده، مینویسد:

"شرکت نیروهای انقلابی و از جمله هواداران سازمان ما در این جریان بسیار فعالانه و خوب بوده است. هر چند بین نیروها بدون سازماندهی مناسب و هماهنگی

اجمیری لیستهای آلمان و فرانسه و رژیم رتجا - جمهوری اسلامی و حزب بعثتی ها و فرستگانی ها در ایران از کارگران مبارز لیسان، در جهت حمایت و تقویت جنبش طبقه کارگر در لیسان نیست بلکه ایمن حمایت قلابی در جهت بی اعتبار ساختن سوسیالیسم و ترساندن توده‌ها از کمونیسم انجا می‌گیرد. اینها همه تلاشهای هستند که وحشت عمیق بورژوازی اوسوسا لیسم و کمونیسم را نشان می‌دهند. بر ما روشن است که دلسوزی!! امیریالیسم آمریکا برای کارگران لیسان نه بیسترب همبستگی زحمتکشان آمریکا با کارگران لیسان، بلکه بر بسترفادهای دولوک امیریالیستی غرب و روسیه واقعا رشا نجا می‌گیرد. امیریالیسم آمریکا با تکیه بر اعترافات اخیر در لیسان سعی دارد بحران درونی خود را که ناشی از گزندگی نظام امیریالیستی است پنهان نگهدارد و او نمود ساد که هیچ اعترافی در کشورهای سرمایه‌داری بوقوع نمی‌پیوندد. حال آنکه هم در کشورهای امیریالیستی غرب و هم در شوروی و سوسیال امیریالیستی کشورهای اروپای شرقی، بملکت وجود بحران سیاسی - اقتصادی که معلول سیستم موجود است، مبارزه طبقاتی با گرفته و جریان می‌یابد مبارزه طبقه کارگر لیسان علیه بورژوازی حاکم در آن نیز بسیار نگره‌مین واقعت است.

تردید نیست که در کشور بورژوازی - روزیونیستی لیسان، طرح برخی خواسته‌های راست روانه از جانب کارگران نمیتواند مورد حمایت برخی محافل و عناصر طرفدار سرمایه‌داری غرب قرار بگیرد و جلو به رزایشن حمایت را میتوان درخواست "آزادی مذهب" توسط کارگران لیسان جست. این محافل مذبوحانه می‌کوشند تا مبارزه کارگران را بشفع خود به تحسراف بکشانند. اما نباید فراموش نمود که مبارزه طبقه کارگر لیسان در اساس خود اصل است و مبارزه ای بر د بورژوازی حاکم میباشد.

در شرایط حاکمیت بورژوازی و سیستم دیکتاتور وجود، خواه استیای سیاسی کارگران یعنی بر آزادی بیان، آزادی مطبوعات، تشکیل اتحادیه‌های آزاد کارگری، حق اعتصاب و خواسته‌های اقتصادی آنها - یعنی بر افزایش دستمزدها، کاهش قیمتها، بهبود بخشیدن به شرایط کار و... همه و همه ما هیت مترقیانه و انقلابی مبارزه طبقه کارگر لیسان را نشان میدهد. در لیسان سرمایه‌داری حاکم است و نه سوسیالیسم و به همین خاطر کارگران علیه سیستم حاکم مبارزه میکنند. مبارزه آنها "فدوسوسیالیسم" نیست بلکه بر علیه سیستم بهره‌کشی سرمایه‌داری میباشد. سیاستهای اقتصادی - اجتماعی بورژوازی حاکم و حاکمیت مناسبات سرمایه - داری درجا معلول لیسان از یک سو و آگاهی کارگران بر علیه سوسیالیسم دروغین روزیونیست‌ها از سوی دیگر است که طبقه کارگر لیسان را به مبارزه ای این چنین علیه حزب و دولت کشانده است.

جنبش طبقه کارگر لیسان و روزیونیست‌ها و دنباله روان آنها در ایران

از آغاز اعتصابات کارگری در لیسان، سازمانها و تشکلهای م. ل. ایران از جمله سازمان ما موضع مریح و روش خود را با اتکا بر جنبش ضد روزیونیستی و ضد سوسیالیسم امیریالیستی خود، در قبال مبارزات کارگران لیسان اعلام نمودند. بدون شک تحلیل ما از اعتصابات اخیر جزئی از مبارزات ضد روزیونیستی ما میباشد. و حمایت و دفاع ما از مبارزات طبقه کارگر لیسان نیز

بدرستی در راه اشبات حقانیت ما رکیسم - لنینیسم انقلابی و پیشش ضد روزیونیستی کمونیست‌های راستین و در جهت حفظ پاکیزگی ما رکیسم - لنینیسم و افشا و طرفداری روزیونیسم و نتایج ناگزیر آن - که هم اکنون نمونه آن را در لیسان می‌بینیم - میباشد.

مبارزات طبقه کارگر لیسان بر علیه حزب و دولت بورژوازی حاکم است، خود میانه مناسباتی برای افشا و طرفداری روزیونیسم عمل کرده‌ای آن در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی فراهم آورده است، چرا که علیرغم ادعاهای

معین فر: ساواکی مکتبی!

ما و بسیاری دیگر از نیروهای کمونیستی و انقلابی، از همان فردای فبا که معنی از سرما به داران و کمانی که در گذشته با رژیم شاه همکار بودیم، در تهران رسیدند. شهادت نثرنا تمنا چه بیگانه رو چه تراکت و... در تهران و شهرستانها، آنها را برای توده ها افشا کردیم، مجله علی اکبر معین فر سرپرست سابق سازمان برنا میوه بودجه (در دولت بازرگان) و وزیر فعلی نفت را مورد افشاکاری قرار داده شان تا چ را که از طرف شاه دریا فت و همکارش با ساواک بعنوان مهندس ناظر با ختمانها و کنجدهکا هبای ساواک را با چاپ سدا افشا نمودیم (تراکت شماره ۵۹ مورخه ۲۵/۲/۵۹). دولت موقت با بزرگان و شورای انقلاب بهشتی و بنی مدرو روزنامه های جمهوری اسلامی و... کوچکترین توجیهی به این افشاکاریها و مدعاها سدی که خودشان در دست داشتند، نکردند (و البته بنای ما هشتان نمینوا نشتند، کنند) و کمونیستها و نیروهای انقلابی افشاکنده را "کافرو منافق و ضدانقلاب و امریکائی و..." خواندند، و لسی خالایس از "خراسی بصره" همان افشاکاریها در "مجلس شورای اسلامی" مطرح و خود و متلاذبا اعتبارنامه معین فر بهمان دلایل زیر سوال بیروید.

اما اینجانب برخلاف موردی که برای مدتی پیش آمد معین فر زیر جرحهاست حزب خاک قرار میگیرد و "ساواکی مکتبی" از آب در میآید. قبلانست علی محمدیاش رسی ساواکی خاش و توطئه گری که با اصطلاح نماینده مردم جهرم در مجلس است با عسکرا ولادی و بسیاری دیگر که ما در حد توان خود پرده از چهره خباثتکاران برداشته ایم با پشتوانه حزب خاک، اعتبارنامه شان ترمویش شد. تازه چه باک؟ مگر از قدم نگفته اند؛ بلکه دیک بلسله چغندر؟! "

نکنه جالب اینکه آقای معین فر در دفاع از اعتبارنامه خود در مجلس، ضمن اینکه افشاکاری علیه خودش را سه درستی به نیروهای کمونیستی منجمله سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر نسبت میدهد، کارگران مبارز صنعت نفت را هم که به سنا دیده همان اسناد و امثال آن، به او اعتراض کرده و خواستار اخراج او از وزارت نفت شده اند با اصطلاح مورد حمله قرار میدهد (اطلاعات ۳ شهریور) و آنها را "جنشی" (هو داره جادین) میخوانند. او در دفاع از اینکه مهندس ناظر با ختمانهای ساواک (بخان کنجدهکاها) بوده است میگوید:

"در مورد ساختمان ساواک من بعنوان ناظر در رابطه با مسئولیتی که داشتم پروژه را بررسی کردم ولی بعد از اینکه فرایسودنفته را بررسی کنیم بدم که عین پروژه بدون نظرم از طرف رئیس مربوطه امضاء و ترمویش شده است و بسیاری دیگر را ملائکتا شنیدم بدانم ساختمان چه توجیهی داشته اند."

آیا میدان آقای معین فر، این نماینده مجلس شورای اسلامی که جمعا با همکارش، "عما رفصیلت

آثرامی باد دوازدهمین سالگرد شهادت رفیق صمد بهرنگی، معلم و نویسنده انقلابی زحمتکش



"مرک خلی آمان منوا ندالان سراغ من میاید! اما من تا میتوانم زندگی کنم با بدیه بیجا از مرگ بروم، البته اگر یک وقتی تا جارا مرگ رو بروندم - که می تومم مهم نیست مهم است که زندگی ما مرگ من جاشتری در زندگی دیگران داشته باشد..." (ماهی سیاه کوچولو)

که همه چیز از سرده بیرون افتاده، آشکارا با اشرف و جلادان با شده به مذاکره می نشیند، و از طرف دیگر عوامل داخلی آنها نیز چه در درون حکومت و ارتش و چه در بیرون آن، با استفاده از رفاقتی توده ها که به علت ساستهای ضد مردمی جمهوری اسلامی بطور روز افزونی اوج میگردد، شبکه های ضد انقلابی خود را گسترش می بخشد.

اکنون در بسیاری از شهرهای ایران، طرفداران بختیار با صراحت از طرفداری میکنند و آرزوی بازگشت او را دارند. با وجود اینکه کمتر کسی است که از اهمیت پلید بختیار روهیبا لکی ها بشود همچون او کسی ما با میرزا بنها و مدنی ها می اطلاع بماند، با وجود اینکه خباثت آشکار بختیار روسازن او با نا برای حفظ سلطنت، برکشی پوشیده نیست و با وجود اینکه "سی - اختیار بدون این نوکر جیره خوار آمریکا برهنگان روشن است، آری با وجود همه اینها بختیار آرزوی حکومت بر ایران را در سر می پروراند! این امر چگونه میتوان توضیح داد؟

و اقیعت آنست که هبات خاکه جمهوری اسلامی (با همه درگیریهای که بین جناحها پیش وجود دارد)، بدلیل ما هیت ضد مکرراتیک و ضد مردمی اش و مجموعه سیاستهای ارتجاعی و عقب مانده اش توده ها را از خود میزاند. آری در واقع عملکرد این رژیم عامل عمده تقویت با بگا بختیار است.

توده ها می که تحقق آمال و آرزوهای خود را در خاکمیت رژیم جمهوری اسلامی میدهند و از این رو فعالان بهشتیانی اش میکنند، اکنون رفته رفته در می با بند که حکومت جمهوری اسلامی با رای با سخگوشی به خواستهایشان را ندارد و دارای ما هیتی ارتجاعی است و چنین است که از آن رویگردان میشوند و بخشی از آنان بغلت فقدان آگاهی لازم خود فروختگانسی چون بختیار را میدیستند. مناسقا نه ما بدگفت از آنجا که هنوز در جا معما با بکفبت قدرتمند انقلابی نكسل نكرفند و نكلكهای انقلابی و کمونیستی موجود علیه رستم رندتوده ای نسبی، هنوز قادر به جذب، تسخ و سازمان رندتوده ای روی برنا فتگان از قدرت خاکه شده اند. لذا با بند بختیار را بر خورد آری از پشتوانه وسیع آری با ان امیربا لیست، از امکانات بختیاری

باند بختیار - اشرف - اوپسی همچنان توطئه می کنند

امیربا لیست آمریکا پس از کشف و سرکوب توطئه کودتای امیربا لیستی بختیار - سیا و علنی شدن روابط بختیاری وی با مزدورانی چون بالیزرسان و اوپسی، به توطئه های ضد انقلابی خود با دو وسیعتری خشیده است. ملاقات بختیار با اشرف و اوپسی که در آخر اس روزهای مرداد ما در بارسی صورت گرفت گوشه ای از این توطئه ها است. این مزدوران خود فروخته با امکانات وسیعی که امیربا لیست آمریکا و متحدان اروپائی اش در اختیار آنها گذاشته اند، خواب حکومت مجدد بر ایران را می بینند، اگر پیش از این بختیار و همبالیکی های داخلی اش همچون جبهه ورتکنسته اصطلاح ملی کوشش و افری در بختیار کردن ارتباطات خود با جلادانی چون اوپسی و بالیزرسان داشتند، اکنون

چهارمین روز
شهادت
۱۰ شهریور

رفیق تقی شهرام
را در بهشت زهرا، قطعه ۴۱، ساعت ۵ تا ۷ عصر
گرامسی می داریم

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
شهریور ۵۹

بقیه در صفحه ۱۳

بقیه در صفحه ۱۵

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست